

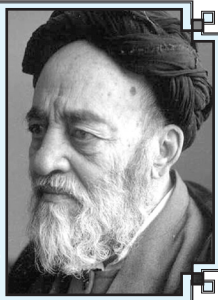
«...دعواهای ما دعوی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی اسلامی روحی

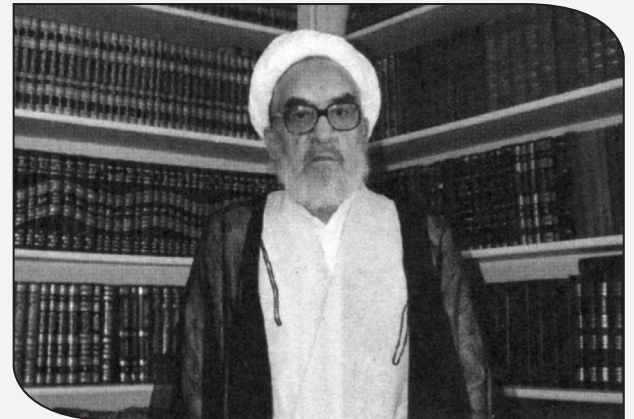
سخنان
فیلسوفان
ایتالیایی درباره
شیعه از دیدگاه
علامه طباطبایی



صفحه ۸

سال سی و پنجم ♦ شماره ۱۸ ♦ شماره مسلسل ۱۴۸۸ ♦ نیمه دوم آذر ماه ۱۳۹۳ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

دیدار با مردی که عمر خود را صرف تدریس
فقه آل محمد کرده است
آیت الله محسن غروی نجفی:
امام به طلبه ها بسیار محبت داشت



آیت الله محسن غروی نجفی، مشهور به دوزدوانی در سال ۱۳۰۷ شمسی برابر با ۲۵ رمضان ۱۳۱۷ قمری در تبریز چشم به جهان گشود. پدرش آیت الله حاج میرزا محمود دوزدوانی از علما و فضایی به نام تبریز بود. جد پدری ایشان، آیت الله محمد حسن دوزدوانی، مشهور به فخرالعلماء و جد مادری اش نیز حاج حسین کوچه مشکی از بازرگانان بزرگ تبریز و رئیس اتاق تجارت تبریز بود. محسن خواندن و نوشتن را در مکتب خانه آموخت. سپس به فراگیری علوم دینی روی آورد. مقدمات و ادبیات عرب را نزد حاج میرزا فرج الله، میرزا محمد سیف دانشی و پدرش فراگرفت. سطوح اولیه را نیز در محضر حضرات آیات خسروشاهی، میرزا جواد آقا سلطان القرا و پدرش آموخت. وی پس از درگذشت پدرش در سال ۱۳۲۷ شمسی، به دست آیت الله حاج میرزا قاسم گرکمری، از اوتاد و زهاد تبریز، معمم شده است. وی سپس برای تکمیل مبانی علمی و تقویت پایه های تحقیقی، راهی حوزه علمیه قم شد و در آنجا مراحل تکمیلی سطح را از محضر حضرات آیات سید حسین قاضی طباطبایی، میرزا علی مشکینی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی و کافی الملک - رحمهم الله - بهره مند شد. همچنین در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام امام خمینی، میرزا هاشم آملی و سید کاظم شریعتمداری - رحمهم الله - شرکت جست. همزمان با ورود به قم و فراگیری دانش، کار تدریس، پژوهش و نگارش را پی گرفت و در طول بیش از سی سال تدریس علوم حوزوی، شاگردان فرهیخته ای را به جامعه اسلامی تحویل داده است. ایشان همچنین مدت سی سال در جایگاه امتحن در جلسه های آزمون شفاهی دروس سطح حوزه فعالیت دارد و اینک نیز به عنوان مدرس و استاد حوزه علمیه قم و امتحن آزمون شفاهی مصاحبه درس خارج، به فعالیت های علمی خویش می پردازد.

رضا تاران - ماهنامه حاشیه / شماره ۱۶

چطور شد حضرت عالی تحصیلات حوزوی را انتخاب کردید؟

بنده در یک خانواده عالم به دنیا آمدم و از کودکی با علم و عالم و حوزه آشنا شدم و از نزدیک با علمایی که به خانه ما رفت و آمد می کردند آشنا می شدم. همه اینها سبب شد که بنده به تحصیل در حوزه علمیه علاقه مند شوم.

پدر حضرت عالی از نظر علمی در چه سطحی قرار داشتند؟

ابوی بنده آیت الله محمود دوزدوانی در دوزدوان از توابع سراب به دنیا آمد و در تبریز از محضر آقا میرزا محمد صادق آقا استفاده برد و سپس به نجف رفت و مدت دوازده سال در خدمت شیخ احمد کاشف الغطا و شیخ علی اصغر ختایی و شیخ مهدی مازندرانی به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت و از آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و آیت الله آقا شیخ احمد کاشف الغطاء اجازه اجتهاد گرفت و به موطن خویش بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. از آثار وی: لب الاصول، در مباحث الفاظ و اصول علمیه، کتاب الطهاره؛ منجزات المریض و حاشیه بر العروه بوده است. ایشان آدم بسیار ملایی بود و در نجف، شهرت علمی داشت و بسیاری از علمای بزرگ با ایشان ارتباط داشتند و جایگاه ایشان را می دانستند. از نظر سیاسی و اجتماعی نیز پدر ما در آذربایجان مشهور و در تحولات مهم منطقه اثرگذار بودند و پناهگاهی برای مردم به شمار می رفتند. غیرت دینی ایشان نیز بسیار مثال زدنی بود و از احکام اسلامی و ناموس شیعه به شدت دفاع می کردند و در واقع در منطقه آذربایجان وزنه ای محسوب می شدند.

ادامه در صفحه ۴

استاد سیدهادی خسروشاهی
مصر پس از تبرئه
مبارک به کدام
سو می رود؟



صفحه ۲

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی:
سند
مقابله با تکفیر
تدوین شود



صفحه ۷

مجموعه یادداشت های
عاشورایی
حجت الاسلام زائری
منتشر شد



صفحه ۶

آیت الله اراکی:
اختلافات بین
مذاهب نباید منشأ
ستیز شود



صفحه ۷

حجت الاسلام والمسلمین مختاری:
کنفرانس بین المللی
وحدت اسلامی؛
نقطه عطف اتحاد
امت اسلامی



صفحه ۷

حجت الاسلام والمسلمین خسروپناه:
امروز در جهان اسلام
تفکر فلسفی مرده و تفکر
سلفی گری و صوفی گری
مطرح است



صفحه ۸

محدث و فیلسوف گمنام حوزه علمیه مشهد شیخ سیف الله ایسی میانجی

ادامه داد. سال ۱۳۳۶ قمری برابر ۱۲۹۷ شمسی که مصادف با قحطی شدید و کشنده در آذربایجان بود، نتوانست تحصیلاتش را پی گیرد و مجبور بازگشت به وطن شد. هشت ماه بعد در ۲۵ صفر ۱۳۳۷ قمری برابر ۱۲۹۷/۹/۸ شمسی، این بار عازم شهر زنجان شد و در یکی از حجره های مدرسه «مسجد سید» برای خود مسکن گزید و به مدت پنج ماه از محضر اساتید و علمای آن سامان بهره برد. (۲)

تغییر سرنوشت

حوزه علمیه زنجان نتوانست عطش علمی این طلبه جوان را از آب معرفت سیراب کند. لذا پس از اندکی اقامت، تصمیم گرفت به حوزه نجف هجرت کند.

شب ۱۲ شعبان ۱۳۳۷ برابر ۱۲۹۸/۲/۲۲، در عالم رؤیا دید که به محضر حضرت امام هشتم علی بن موسی الرضا، علیه آلاف التحية والثناء، تشریف یافته و آن حضرت، او را به حوزه مشهد دعوت می کند. شیخ سیف الله چون از خواب بیدار شد، در تصمیم خود مبنی بر هجرت به نجف دچار تردید گردید. از این رو، درباره تشریف به مشهد به قرآن تمسک جست و استخاره کرد. پنجمین آیه مبارک از سوره فتح، یعنی «وكان ذلك عندالله فوزا عظيما» برمی آید و او را از شک و سردرگمی می رهاند.

هجرت به مشهد

شیخ سیف الله ایسی ب؟ درنگ با فروش بعضی از وسایل شخصی، در نیمه شعبان همان سال، از راه رشت و بندرانزلی و بادکوبه، راهی خراسان شد. در میان راه چندین روز در بادکوبه توقف کرد و در آن جا بعضی از همشهری های خود که برای کار و کارگری به آن جا آمده بودند، مبلغی را به عنوان قرض جهت تأمین هزینه های سفر تهیه کرد و از مسیر «عشق آباد» و «باجگیران» راه خود را به سمت خراسان و آستان قدس رضوی پی گرفت.

او در تاریخ دوازده رمضان ۱۳۳۷ برابر ۱۲۹۸/۳/۲۲ شمسی وارد مشهد شد. نخست به آستان بوسی امام هشتم، علیه السلام، شتافت. بعد با شور و شوق کم نظیر به تحصیل علوم اسلامی همت گمارد. (۳)

اساتید فقه و اصول

شیخ سیف الله کتاب شرح لمعه را نزد عالم بزرگ آقا میرزا محمدباقر مدرس رضوی آموخت. کتاب قوانین را در خدمت مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدتقی مشکوری فرا گرفت.

ادامه در صفحه ۵

* حجت الاسلام عبدالرحیم ابادری
اشاره

در اواخر دهه شصت که این جانب درباره علما و مشاهیر شهرستان میانه، تحقیق می کردم، هزار چندگاهی جهت گرفتن اسامی و تکمیل اطلاعات، به محضر مرحوم آیت الله حاج میرزا علی احمدی میانجی مشرف می شدم. شاید به گزاف نگفته باشم که در همه یاین دیدارها، معظم له، با عنایت و علاقه خاصی در مورد یکی از علمای میانه، بیش از دیگران تأکید و توصیه داشتند و هر بار بالخصوص سؤال می کردند. درباره او چه کار کردم؟ آیا سرنخی به دست آوردم یا نه؟ با این که مرحوم آیت الله احمدی اهل، فقه بود و چندان ذوق فلسفی نداشت، تأکید معظم له بر تحقیق درباره یک شخصیت فلسفی، برایم جالب و قابل تأمل بود. چون آن ایام، حقیر در آغاز راه بودم، چندان توجهی به این تأکیدها نداشتم و از طرفی نام این شخصیت را تازه می شنیدم و بسیار هم برایم نامأنوس بود. لذا موضوع را خیلی جدی نمی گرفتم. تا این که یک روز در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی برای اولین بار و اتفاقی با آثار فلسفی او آشنا شدم و مقداری از شرح حال و مبانی فکری و فلسفی او را به دست آوردم. آن گاه به فلسفه عنایت و تأکید مرحوم آیت الله میانجی واقف شدم و تحقیق درباره این عالم گمنام را به طور جدی پی گرفتم. او، به جز فیلسوف سترگ مرحوم شیخ سیف الله ایسی غریب دوستی میانجی کسی دیگر نبود.

تولد و تحصیلات

وی سال ۱۳۱۷ قمری برابر ۱۲۷۷ شمسی در قریه «غریب دوست» از توابع شهرستان میانه دیده به جهان گشود. پدرش مرحوم عباس فرزند حسن در همان روستا به شغل زراعت اشتغال داشت. او نیز در اوائل جوانی در کنار پدر به کار سخت کشاورزی روی آورد، اما علاقه اش به آموزش علم و آگاهی از چگونگی آفرینش جهان هستی، آتش جهش و تحول در وجودش انداخت و سرنوشت او را رقم دیگر زد. (۱)

به راز و نیاز بر می خاست و از خالقش درخواست می کرد تا زمینه تحصیل وی را هر چه زودتر فراهم کند. در سال ۱۳۳۳ قمری برابر ۱۲۹۴ شمسی دعایش مستجاب شد.

او در ماه رجب همین سال در سن ۱۶ سالگی با رضایت و بدرقه پدر و مادر، عازم شهر تبریز گردید. در مدرسه «حسن پاشا» حجره گرفت و نزدیک به چهار سال در آن جا به تحصیلات مقدماتی خود

انقلاب مصر یک انقلاب ناتمام بود؛ زیرا مردم قیام کردند، نزدیک به ۹۰۰ نفر توسط رژیم حسنی مبارک کشته شدند، مدتی ارتش حکومت را در اختیار داشت و سپس محمد مرسی به دنبال برگزاری انتخابات روی کار آمد اما عوامل اصلی رژیم در جای خود باقی ماندند. بالاخص ژنرال هایی که اکنون در مصر موجب تیره مبارک شده اند همان ژنرال هایی هستند که از آن زمان باقیمانده اند. این ژنرال ها با کودتا حکومت قانونی و منتخب مردم را سرنگون کردند و خودشان قدرت را در اختیار گرفتند.

این باند وابسته به حسنی مبارک، رئیس جمهوری مصر بوده و هستند. بنابراین تیره مبارک و عوامل وابسته به وی مانند حبیب العدلی، وزیر امنیت پیشین و مابقی دست اندرکاران رژیم قبلی توسط رژیم کودتایی کنونی قابل پیش بینی بود. در این باره اشتباهات اخوان المسلمین کم نبود و شاید هم شرایط مصر اجازه نمی داد که آنها به طور قاطع عمل کنند. منظوم این نیست که باید ژنرال ها را اعدام می کردند ولی حداقل می توانستند داخل حکومت را از این افراد پاکسازی کنند.

حتی در آن زمان تلویزیون مصر نشان داد که ژنرال السیسی در برابر محمد مرسی سوگند وفاداری خورد ولی کمی بعد همین فرد علیه دولت دست به کوتا می زند. بنابراین مصر پس از تحولات برکناری مبارک در شرایطی بود که عناصر اصلی رژیم سابق در قدرت باقی ماندند و حکومت اخوان المسلمین نیز با برخی اقداماتش زمینه را برای کودتا فراهم کرد. از جمله اشتباهات حکومت مرسی این بود که دیگر احزاب و گروه ها را در ساختار حکومت دخالت نداد.

در مصر احزاب سکولار و ملی بسیاری فعالیت می کنند و پس از انقلاب نیز ده ها حزب دیگر تشکیل شد اما اخوان المسلمین با این گروه ها همکاری نکرد و این تمامیت خواهی باعث شد عناصر سیاسی دیگر که با ژنرال ها نیز

تاریخچه

العلم: «هانی فردان» نویسنده بحرینی در یادداشتی پیرامون سابقه حضور نیروهای بیگانه در این کشور نوشت: در حال حاضر بحرین به بهانه های واهی و متعدد، حضور نیروهای امنیتی و نظامی «بیگانه»؛ اعم از عربی و یا غربی همچون نیروهای ای آمریکا، عربستان، امارات، اردن و انگلیس را شاهد است.

فردان در این یادداشت که در روزنامه الوسط بحرین منتشر شد آورده است: با توجه به گفته وزیر کشور بحرین، درباره «حضور تفنگداران از ملیت های مختلف که با نیروهای امنیتی در بحرین فعالیت می کنند»، این موضوع دیگر محرمانه نیست و پرداختن به آن ممنوع نیست. سپهبد راشد بن عبدالله آل خلیفه، وزیر کشور بحرین، در یک گفتگوی مطبوعاتی که در شبکه العربیه پخش شد، مدعی شد: ما مزدور نداریم بلکه آنها «برادرانی» هستند که از سالها پیش تاکنون در بحرین فعالیت می کنند.

در همین حال، پایگاه نظامیان امریکایی در بحرین یا آنچه در سطح بین المللی به فرماندهی «ناوگان پنجم آمریکا» معروف است، بنا به برخی اسناد، از بیش از یک دهه پیش وجود داشته است؛ اما ادامه حضور امریکا در منطقه الجفیر در منامه برای نخستین بار از ۶۰ سال پیش با یک زیرساخت جدید سازماندهی شد و از سال ۲۰۱۰ نیروهای دریایی آمریکا اجرای طرحی ۵ ساله به ارزش ۵۸۰ میلیون دلار برای توسعه این پایگاه را آغاز کردند.

به سبب وجود پایگاه امریکایی در بحرین، این کشور شاهد بحران قانون اساسی است. اعضای مجلس نمایندگان در سال ۱۹۷۵ از امیر وقت این کشور، شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه، خواستند تا پایگاه دریایی امریکا را از بحرین برچیند؛ و این درحالی بود که آمریکا سالانه ۶ میلیون دینار بحرین به این کشور کمک مالی می کرد. البته اعتراضات راه به جایی نبرد و حکم شاهانه برای به تعلیق انداختن عمل به قانون اساسی تا اطلاع ثانوی صادر شد.

در ۲۷ ماه می سال ۲۰۰۷ حسین بحرانه وزیر مشاور سابق در مسایل حقوقی تصریح کرد که درخواست اخراج

مخالف بودند، کنار بکشند و با اخوان نیز همکاری نکنند. اما در تونس اسلامگرایان روش بهتری را در پیش گرفتند هم چنانکه مشاهده کردیم راشد الغنوشی رویه تمامیت خواهی را در پیش نگرفت و با سکولارها همکاری کرد، به همین خاطر در تونس زمینه کودتا فراهم نشد، و اگر در مصر نیز حکومت اسلامگرا این روش را در پیش می گرفت شاید این وقایع حادث نمی شد.

این مسائل، عمده ترین اشتباهات داخلی مرسی است که آن زمان نماینده اخوان در حکومت بود. در صحنه خارجی نیز اخوان المسلمین در عوض آنکه به جبهه مقاومت بپیوندد بلافاصله به ریاض رفت. از نظر اقتصادی هم که وضعیت مصر فلاکت بار است و نزدیک به ۵۰ درصد مردم زیر خط فقر به سر می برند بنابراین مرسی توانست گام مؤثری در این زمینه بردارد و آل سعود که وعده دلار به حکومت مصر داده بود حتی یک دلار هم به آنها کمک نکرد. درباره رأی دادگاه سفارشی در تیره مبارک و العدلی و دیگران نیز باید توجه داشت که این رأی نشان دهنده آن است که رژیم کودتایی کنونی استمرار همان حکومت حسنی مبارک است.

اتهام اصلی حاکم بر کنار شده مصر و وزیر کشورش کشتار نزدیک به ۸۰۰ نفر بود که در حوادث قیام علیه رژیم به قتل رسیدند. اما ناگهان می بینیم که این متهمان تیره می شوند که تیره آنها جز توسط ژنرال های وابسته به مبارک توسط هیچ گروه دیگری نمی توانست اتفاق بیفتد. در برهه هایی که در دستان تظاهرکنندگانی که علیه تیره مبارک به خیابان ها آمده بودند دیدم نوشته شده بود: «ما خودمان اینها را کشتیم» که منظور از «ما» همان مردم مصر است. این در حالی است که همین رژیم کودتایی خود نزدیک به چهار هزار نفر را در قاهره، اسکندریه و دیگر شهرها قتل عام کرد و بسیاری را نیز مجروح یا بازداشت کرد. دور از انتظار نبود که حاکم چنین رژیمی حکم تیره ژنرال های پیشین و

حضور نیروهای نظامی بیگانه در بحرین

امریکایی ها از بحرین اشتباهی بزرگ بود.

اما در سطح منطقه ای، ورود نظامیان عرب از کشورهای حوزه خلیج فارس به بحرین، در ۱۴ ماه مارس سال ۲۰۱۱ ابتدا با یگانهای گارد شاهی عربستان که از مرز زمینی از طریق گذرگاه ملک فهد وارد بحرین شدند، آغاز شد. پس از آن یگانهای دیگری از امارات و قطر برای «کمک» به دولت بحرین به منظور حمایت از تاسیسات و پایگاه های حیاتی و بویژه میدانهای نفتی و نیز دفاع از بحرین در برابر هرگونه دخالت خارجی احتمالی (با اشاره تلویحی به ایران) به بحرین رسیدند. در همان هفته نیروهای دریایی کویت هم در برابر سواحل بحرین اقدام به گشت زنی کردند، بدون آنکه عملا در خاک بحرین حضور یابند.

از آن روز تاکنون همچنان نیروهای سپر جزیره در بحرین به سر می برند و با وجودی که سه سال از حضور آنها در بحرین می گذرد، به نظر می رسد بهانه حضور آنها در بحرین همچنان پابرجاست.

اما نیروهای اماراتی دیگری نیز در بحرین حضور دارند که ارتباطی با نیروهای سپر جزیره ندارند. کشته شدن یک افسر اماراتی در منطقه الدیه که در ۳ مارس ۲۰۱۴ شاهد اغتشاشات امنیتی بود، وجود این نیروها را بر ملا کرد. وزارت کشور بحرین تاکید کرد که افسر اماراتی که در انفجار الدیه کشته شد، تحت عنوان طرح موسوم به «امواج الخلیج» در این کشور حضور داشته است. گفته شد که حضور این نیروها حاصل توافق همکاری امنیتی خلیجی مشترک است و از آن روز تاکنون بازدید رسمی مسئولان اماراتی از نیروهای ویژه خود در بحرین، اعلام رسمی حضور این نیروها (البته بدون اعلام مسئولیت ها و وظایف آنها) امری علنی شد.

همچنین در ماه آوریل ۲۰۱۴ اظهارات سمیره رجب سخنگوی سابق دولت بحرین و وزیر اطلاع رسانی که در آن زمان به اردن سفر کرده بود، رسانه های اردن را به خود مشغول کرد. رجب از وجود نیروهای «ژاندارمری» اردن در بحرین خبر داد. اظهارات این وزیر سابق، قبل

مصر پس از تیره مبارک به کدام سو می رود؟

استاد سیدهادی خسروشاهی

همکاران خود را صادر کند و این مسأله از دیدگاه ناظران سیاسی خیلی بعید نبود.

در مقابل مشاهده می کنیم که جمعیت اخوان المسلمین با ۸۵ سال سابقه فعالیت ناگهان توسط عبدالفتاح السیسی یک گروه تروریستی نامیده می شود. السیسی پیش از انتخاب شدنش به عنوان رییس جمهوری مصر نیز اعلام کرده بود: «اخوان المسلمین را نابود خواهیم کرد». از طرف دیگر ارتجاع عرب در حوزه خلیج فارس اخوان المسلمین را یک گروه تروریستی می نامند. رهبران اخوان هم که اکنون در بازداشت به سر می برند و در حال محاکمه هستند. قسمت جالب ماجرا اینجاست که محمد مرسی، رییس جمهوری مصر که توسط کودتای ژنرال ها برکنار شد نه تنها خائن شناخته شده است بلکه ادعا کرده اند که او جاسوس حماس است. این اتهام آن قدر بی معناست که به خوبی نشان می دهد رژیم درصدد حذف رهبران این گروه برآمده است.

از دیگر اتهامات ادعایی نیز این بود که مرسی اطلاعاتی به ایران داده است، این در حالی است که همگان می دانیم محمد مرسی رویه خوبی در قبال ایران در پیش نگرفته بود. چند سال پیش که او برای شرکت در نشست سران عدم تعهد به ایران آمد با هیچ یک از مقامات مسئول و همچنین رهبر ایران ملاقات نکرد. از دیگر سو قاهره یکی از حاضران کنفرانس سلفی ها بود که علیه تشیع اهانت های وقیحانه ای را مطرح کرد و آنها هیچ واکنشی نشان ندادند. همچنین مرسی سفیر مصر را در عوض آنکه به ایران بفرستد به اسرائیل فرستاد و در نامه اش نیز شیمون پرز، رییس جمهور سابق اسرائیل را پرز عزیز خطاب کرد.

با این تفاسیر اتفاقاتی که در مصر پیش آمد یک انقلاب بود اما ناقص و امروز نیز همان حکومت ۶۰ ساله سرهنگ ها و ژنرال ها در مصر بر سر کار است. ولی این اقدامات به معنای مهر پایان بر انقلاب مصر نیست بلکه اکنون ملت

های عرب به خصوص مردم مصر که سابقه هشیاری و بیداری را تجربه کرده اند، چشمشان باز است و به مبارزه ادامه خواهند داد؛ مبارزه ای که هزینه های بالایی را در بر می گیرد. همچنین نمی توان گفت که این تحولات و کودتای نظامیان، پایان انقلاب در مصر است. زیرا این رویه ژنرال ها در مصر تداوم نخواهد داشت و نظامیان از ابتدا سابقه خوبی در اداره حکومت نداشته اند.

در حال حاضر به دلیل حجم بالای قتل عام مردم توسط حکومت السیسی و ایجاد فضای وحشت و خفقان، مشخص است که مردم فعلا به خیابان ها نمی آیند و منتظر هستند تا فضا کمی بهتر شود. از دیگر سو اکنون رهبران اخوان المسلمین نیز همگی در بازداشت به سر می برند و نمی توانند حرکت های مردمی را هدایت کنند. در این شرایط کمی زمان لازم است تا مردم دوباره به پا خیزند زیرا از یک سو السیسی به شدت آنها را ترسانده است و از دیگر سو رهبری ندارند که آنها را علیه رژیم متحد کند.

در نهایت تاثیرات منفی تحولات مصر بر دیگر کشورهای عربی را نیز نباید از نظر دور داشت. پیش تر وقتی در مصر به دنبال روی کار آمدن اسلامگرایان جنبه های مثبتی دیده نشد، در لیبی هم اسلامگرایان نتوانستند قدرت را در دست بگیرند. اتفاقات مصر در کشورهای اسلامی دیگر هم تاثیرگذار بود و بعضا مشاهده می کنیم که برخی حرکت های اسلامی ممنوع فعالیت شده اند. در امارات، اخوان المسلمین متهم به انجام اقدامات تروریستی شد در حالی که این جریان برنامه های تروریستی را در دستور کار خود ندارد. وقتی فضا علیه یک جریان شکل می گیرد هرگونه اتهامی به آن وارد می شود و وقتی اخوان المسلمین نتوانست در مصر به خوبی از عهده اداره حکومت برآید اثرات منفی بر کشورهای دیگر باقی گذاشت.

منبع: هفته نامه صدا - شماره ۱۵

۱۵ آذر ماه ۱۳۹۳

نبیل رجب:

زندانیهای بحرین به اردوگاه نازیها شبیه است



نبیل رجب رییس مرکز حقوق بشر بحرین، شرایط زندانیان بحرینی را شبیه به اردوگاه های نازی ها دانست و با اشاره به شیوع بیماریهای پوستی و ابتلا به بیماری گال، تاکید کرد که ایجاد

چنین شرایطی شیوه جدید برای شکنجه است. وی افزود: دبیرخانه شکایات بخشی از وزارت کشور است از این رو توصیه های آن به وزارت کشور بویژه در مورد مساله تعداد بسیار زیاد زندانیان در مقایسه با ظرفیت زندان ها، فقط جوهری بر روی کاغذ باقی می ماند.

سازمان حقوق بشر اروپایی - بحرینی از وزارت کشور بحرین خواست تا هر کسی که از مقام امنیتی خود برای بدرفتاری با زندانیان سوء استفاده کند، مورد بازخواست قرار دهد از جمله عناصر پلیس که اکبر علی یکی از بازداشت شدگان را در داخل زندان مرکزی «جو» کتک زدند.

حسین جواد، دبیر کل سازمان حقوق بشر اروپایی - بحرینی، گفت: پس از گذشت چندین هفته از مرگ یکی از زندانیان به سبب شکنجه در ساختمان زندان «جو» اکنون نیز اکبر علی یکی دیگر از بازداشت شدگان به دست عناصر پلیس کتک خورد.

وی در صفحه خود در شبکه ارتباط اجتماعی توئیتر نوشت: آیا شکنجه و کتک و بدرفتاری در داخل زندان های بحرینی اقدامی شخصی از سوی عناصر پلیس است یا سیاستی سازمان یافته از سوی مقامات امنیتی علیه زندانیان و بازداشت شدگان است؟

که این آثار در زمینه های مطالعات منطقه ای، جامعه و فرهنگ (کتب فیروزه ای) و دانستنی های یک رایزن فرهنگی منتشر شده است.

در محور مطالعات منطقه ای کتاب های مسلمانان هند از سوی رایزنی فرهنگی ایران در دهلی نو، بیداری اسلامی و خطر فعالیت گروه های تکفیری در شرق آسیا نوشته محمد حسن ایپکچی و دیپلماسی عمومی آمریکا در اندونزی تألیف محمد صادق بیگلری رونمایی شد.

از دیگر آثار رونمایی شده می توان به بنیان های فرهنگی بین الملل گرای آمریکان نوشته فرانک نینکوویچ ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تاریخچه مختصر مسلمانان در استرالیا تألیف بلال کلند ترجمه محسن ابوطالبی، فرهنگ و مذهب در اندونزی نوشته محمد علی ربانی، ذائقه فرهنگی کروات ها نوشته رایزنی فرهنگی ایران در زاگرب و تاریخچه رادیو تلویزیون در استرالیا ترجمه محسن ابوطالبی اشاره کرد.

همچنین کتاب های شیعه در آمریکای شمالی تألیف لیلقت تکیم و علی عسگری یزدی با ترجمه طاهر رحمانی، مجموعه مقالات نخستین همایش علمی بین المللی بزرگداشت سید اجل شمس الدین عمر بخارایی از سوی رایزنی فرهنگی ایران در چین، مولفه



های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نوشته محمدمسعود صادقی، سلفی های مصر بعد از مبارک ترجمه علیرضا رضانیا و حجت الله جودکی، جوامع مذهبی استرالیا تألیف رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در استرالیا و سهم شیعه در فرایند تمدن اسلامی تألیف محمود اسماعیل ترجمه حجت الله جودکی در این بخش رونمایی شد.

جریان شناسی داعش؛ چپستی، شاخصه ها و راهکارهای مواجهه تألیف گروه مطالعات عربی مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی، سلفی گری در فرانسه نوشته رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در پاریس، آشنایی با منابع عربی روابط بین الملل در اسلام تألیف سیده فاطمه حسینی میرصفی، درآمدی بر مطالعات ایرانی در آمریکا نوشته زهرا سبحانی و پیوستگی تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان نوشته نوید رسولی در بخش مطالعات منطقه ای نیز رونمایی شده است.

در بخش جامعه و فرهنگ (کتب فیروزه ای) کتاب های جامعه و فرهنگ اریتره و همچنین جامعه و فرهنگ سیرالئون و پنج کتاب نیز در بخش دانستنی های یک رایزن فرهنگی رونمایی شد.

اسلام شناسی و اسلام شناسان از شناخت تا تعامل تألیف فاطمه امیرخانی فراهانی، هنر گفت و گو و مذاکره فرهنگی تألیف محمد امانی، اصول و آداب تشریفات در رایزنی فرهنگی نوشته نسرين دانایی، دیپلماسی فرهنگی و رایزن فرهنگی تألیف سیدرضا صالحی امیری و همچنین رایزن فرهنگی و دنیای ایران شناسی نوشته فاطمه امیرخانی فراهانی در بخش دانستنی های یک رایزن فرهنگی به عنوان آثار برتر معرفی شد.

همایش «بررسی تحولات جهان اسلام؛ فرصت ها و چالش های پیش رو» برگزار شد

به تعبیر نظریه پردازان غربی جریان رادیکالیسم افراطی به نام اسلام خود از درون بیان کننده ضعف و ناتوانی خویش است.

چهره سیاه تکفیر تبیین شود
آقای ابوترابی فرد اظهار کرد: در کنار اصل محوری شایسته سالاری که پویایی و تعالی نظام قطعاً متوقف بر تعالی این اصل است و هر نهاد و سازمانی برای رشد و پویایی خود راهی جز عمل به این آموزه های دینی ندارد؛ اصل عدالت محوری، جان آموزه های دین و قرآن و عترت است.

وی با بیان اینکه اگر حکومت را به معنای قضاوت بگیریم امکان تحقق یک قضاوت مبتنی بر عقل وجود ندارد مگر در پرتوی یک نظام سیاسی مقتدر امکان انجام آن فراهم می شود، گفت: رسالت نظام اسلامی آن است که راه را برای تعریف صحیح از مفهوم عدالت و فراهم کردن زمینه تحقق آن هموار کند. شایسته سالاری و مراجعه به آرای مردم ابزاری برای تحقق عدالت است. پرداختن به این مهم بر اساس اسناد بالادستی نظام و سیره امام خمینی (ره) و رهبری می تواند راه را برای تحقق اهداف و آرمان های نظام در دنیای اسلام و در سراسر گیتی هموار کند.

بیداری، حرکت مبارکی بود
بنا بر این گزارش، آیت الله محمدعلی تسخیری،

سخنران بعدی مراسم بود که با اشاره به ضرورت برنامه ریزی برای آینده، گفت: انسان باید برای آخرتش پیش بینی کند ولی به فکر آینده بودن مخصوص آخرت نیست، انسان باید همواره موضع خودش را مشخص کند. وی افزود: اصل و محور یحتمان بیداری اسلامی است، به رغم

همه شکست هایی که از بیداری می بینیم مفهوم حرکت بیداری حرکت مبارکی بود و مورد تأکید خداوند است. معتقدم یکی از زمینه های پیروزی آینده بیداری اسلامی است.

آیت الله تسخیری اظهار کرد: نکته دیگر که ما را بیشتر امیدوار می کند، آگاهی علماست، به رغم حکومت های منحرف، مجموعه فقه اسلامی دو قطعه نامه برای لزوم حرکت کشورهای اسلامی برای اجرای قانون های اسلامی در همه قسمت های زندگی صادر کرد.

وی عنوان کرد: مسئله دیگر که برای تصور یک آینده روشن تر برای جهان اسلام کمک می کند، متفصح تر شدن رژیم های استکباری و ارتباطشان با رژیم صهیونیستی است.

آیت الله تسخیری گفت: امروز شاهد پیروزی عظیم انصارالله در یمن هستیم، امیدواریم این پیروزی ها روز به روز بیشتر شود و به آن مرحله اوج برسیم. بسیج نیروهای خودی مقتدر، گسترش فعالیت های مجازی، تقویت حرکت های نظامی، اقتصاد مقاومتی و همچنین تقویت ارتباطات با علما در دستور کار قرار گیرد.

بنا بر این گزارش، در پایان این مراسم از سه مترجم خارجی برتر قرآن کریم به نام های علی قلی قرایی از هند مترجم قرآن به زبان انگلیسی، سلیمانی بای جی سو از چین مترجم قرآن به زبان چینی و گونزالیس بورنزا از اسپانیا مترجم قرآن به زبان اسپانیایی و همچنین از ۲۶ اثر پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تجلیل شد.

در حاشیه این همایش، از ۲۶ اثر پژوهشی این سازمان و تقدیر از طرح های پژوهشی برتر رایزنی های فرهنگی ایران در خارج از کشور معرفی و رونمایی شد



از سمت راست: استاد خسرو شاهی، آقای جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و آقای ابراهیمی ترکمان رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

همگرایی می تواند در راستای دیپلماسی فرهنگی به کار گرفته شود و در دستیابی به اهداف سیاست خارجی مؤثر باشد. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر برخورداری از قدرت سخت توان تقویت قدرت نرم را دارا است؛ لذا باید بیش از هر چیز داشته های فرهنگی خود را بشناسیم به باور همه اهالی فرهنگ گلوله فقط قلب را می شکافد و حیات را می گیرد اما فرهنگ در جان و دل نفوذ می کند از این منظر دیپلماسی فرهنگی بر دیپلماسی سیاسی ارجحیت دارد.

وی با بیان اینکه جامعه هدف در دیپلماسی فرهنگی جوانان دیگر کشورها هستند، اظهار کرد: باید دیپلماسی فرهنگی وفق برنامه های دولت را در دیگر کشورها پیش بینی کند. یکی از مهم ترین علل ناکامی دولت ها مقاومت در برابر اقدامات رسمی دیپلماتیک آنهاست. مصداق بارز آن ایستادگی ملت ایران در برابر تحریم ها و غیره است؛ دیپلماسی فرهنگی از لحن خصمانه و آمرانه به دور است. توجه به دیپلماسی فرهنگی از آنجا اهمیت افزون تری می یابد که دولت ها برای پیش برد اهداف خود به این دیپلماسی روی آورده اند. فرایند انتقال ارزش ها از اولوی های ایالات متحده به شمار می رود؛ با جذب دانشجویان ایرانی در دانشگاه های آمریکا گروه نخبگان خواسته یا ناخواسته از فرهنگ آمریکای تأثیر می پذیرند.

وی افزود: از سوی دیگر ایران هراسی و شیعه هراسی چالشی مهم برای کارآمدی دیپلماسی ایران به شمار می آید. بهترین راه مقابله استفاده از قدرت نرم جمهوری اسلامی است که خوشبختانه اقداماتی انجام گرفته از جمله ایجاد جامعه المصطفی (ص) العالمية از اقدامات به جا و برجسته ای بود که ایران در راستای دیپلماسی فرهنگی انجام داده است. آنچه که باید منتقل شود طرز تفکر و شیوه اندیشیدن است.

جایگاه رفیع ایران در جغرافیای سیاسی جهان

بنابر این گزارش، سخنران بعدی مراسم حجت الاسلام والمسلمین سید محمدحسن ابوترابی فرد، نائب رئیس مجلس شورای اسلامی بود و با بیان اینکه بنیان گذار زمان شناس انقلاب با توجه به نقش مهم مردم سالاری برای تحقق شایسته سالاری و فراهم کردن زمینه تحقق این اصل محوری عقلانی و قرآنی نظام را بر این اساس درست کردند. مردم سالاری می تواند راه را برای انتخاب بهترین ها در راستای تحقق شایسته سالاری هموار کند و شاید تأکید آموزه های دینی بر این اصل کلیدی در راستای نزدیک شدن به این آرمان قرآن کریم باشد.

وی گفت: امروز جمهوری اسلامی به عنوان نماد بالنده پیوند دین و سیاست و تعریف مردم سالاری دینی از جایگاه رفیع و برجسته ای در جغرافیای سیاسی جهان برخوردار است؛ همانطور که رهبر معظم انقلاب اشاره داشتند جوانان تکفیری و تروریستی با نام اسلام را می توان حرکت مذبوحانه ای از نظام سلطه برای رویارویی با این اندیشه بالنده اسلامی تعریف کرد؛ هر چند چالش اصلی و محوری نظام ایران با نظام سلطه زیاده خواهی این نظام و سردمداران حاکمان آن است اما به عنوان یکی از تهدیدهایی که امروزه منطقه دینی اسلام با آن روبه روست مطرح است و می توان این تهدید را یک فرصت جدی برای اندیشه بالنده نظام تبدیل کرد.

همایش بررسی تحولات جهان اسلام فرصت ها و چالش های پیش رو، ۲۴ آذر با حضور آیت الله تسخیری مشاور عالی مقام معظم رهبری در امور جهان اسلام، حجت الاسلام والمسلمین ابوترابی فرد نائب رئیس مجلس شورای اسلامی، علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ابراهیمی ترکمان رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سردار نقدی رئیس سازمان بسیج مستضعفین و استاد خسرو شاهی برگزار شد.

داشتن ها نه بودن ها، آسیبی برای کارهای پژوهشی است

بنابر این گزارش در این مراسم ابودر ابراهیمی ترکمان، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با تریک هفته پژوهش گفت: یکی از فیلسوفان آلمانی کتابی دارد به نام داشتن یا بودن، در این کتاب نظریه ای را مطرح می کند که ملت های جهان از بودن به سمت داشتن حرکت می کنند در آنجا نویسنده یک نظریه ای دارد که در گذشته انسان ها به دنبال بودن می رفتند و در درون خودشان چشمه ای جوشان به وجود آوردند، اما مدت ها است بشر از بودن به سمت داشتن رفته است و احساس می کند با داشتن به کمال می رسند این اشتباهی است که بشر در یک مقطعی انجام داده و الان آسیب های آن را در دنیا می بینیم.

وی افزود: بودن نیازمند خلق گروه های تروریستی نیست. همه این مشکلات از داشتن شروع شده است؛ آدم ها به کسانی تبدیل شده اند که با داشتن شان تعریف می شود و این آسیبی است که در کار پژوهشی هم وجود دارد.

آقای ابراهیمی با تصریح اینکه می خواهیم پژوهش های سازمان را به سمت بودن هدایت کنیم، اظهار کرد: در حوزه روابط فرهنگی دو هدف مشخص وجود دارد: آیا هدف تأثیر گذاری است یا نتیجه کارها تأثیر می گذارد؟ سازمان فرهنگ این افتخار را دارد که مسیری را آغاز کرده تا بتواند کارهای پژوهشی انجام شود که یکی از کارها تدوین ۶۱ جلد تاریخ شفاهی است. در ادامه مراسم علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به موضوع همایش گفت: امام خمینی (ره) با حاکمیت سلطه به مصاف برخاست و بسیاری از معادلات را به هم ریخت؛ بیداری اسلامی، حرکت های اسلام خواهانه، اقتدار جمهوری اسلامی و محبوبیت آنها در ملت های مسلمان بیانگر همین مدعا است.

وی اظهار کرد: نظام سلطه تلاش می کند با موانع فراوان مسیر خیزش ها را منحرف کند و برای فراهم کردن زمینه پذیرش لیبرال دموکراسی تلاش می کند. وی اظهار کرد: یکی از وظایف خطیر نمایندگان فرهنگی نظام، معرفی شایسته الگوهاست اکنون با ظهور گروه های تروریستی چون القاعده و داعش باید مراقبت کرد تا مسیر بیداری اسلامی منحرف نشود. در تحولات اخیر نظام بین الملل دو نکته مورد توجه است انتقال تدریجی قدرت از غرب به شرق و دوم انتقال قدرت از دولت ها به بازیگران غیر دولتی. این دو اتفاق مهم می تواند به مزیتی برای ایران آرمان خواه تبدیل شود.

مهم ترین فرصت نظام، کنترل تحولات با ابزارهای نرم است

آقای جنتی ضمن اشاره به اینکه مهم ترین فرصت نظام در تحولات منطقه مدیریت و کنترل تحولات با ابزارهای نرم است، گفت: امروز استفاده از قدرت نظامی کار آیی خودش را از دست داده است آنچه که امروز امتیاز زیادی دارد استفاده از ظرفیت قدرت نرم در محیط بین المللی است. دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز قدرت نرم است و هنگامی آغاز می شود که یک کشور با تمام قوا وارد صحنه شود و منافع ملی را به پیش ببرد.

وی ادامه داد: امروز قوی ترین کشورها ترجیح می دهند از شیوه های فرهنگی برای تأمین منافع خود استفاده کنند. پیشینه تاریخی و تمدنی ایران در صورت

ادامه از صفحه اول

شما در چه سالی وارد حوزه شدید و مقدمات را در درس کدام استادان شرکت کردید؟

بنده مقدمات و ادبیات عرب را در تبریز خدمت آقایان حاج میرزا فرج الله و میرزا محمد سیف دانش خواندم، بخش‌هایی از لمعه را خدمت آیت الله خسروشاهی خواندم و بخش دیگری از لمعه را نیز در خدمت میرزا جواد آقا سلطان القزّاء ادامه دادم.

دروس پس از لمعه را نزد کدام استادان خواندید؟

پدرم با وجود آنکه سطحش بسیار بالا بود و دروس خارج را تدریس می‌کرد گفت به خاطر پسرمر محسن می‌خواهم رسائل تدریس کنم و همین بود که من رسائل را در نزد پدرم خواندم. واقعا عالی درس می‌داد. شاید تدریس بی نظیر پدرم بود که مرا به اصول علاقه‌مند کرد و من اصول را خیلی از ایشان یاد گرفتم. واقعا خدا رحمت کند: چه درسی می‌گفت.

حضرت عالی چه زمانی به قم هجرت کردید؟

من تقریباً رسائل را خوانده بودم که پدرم به رحمت خدا رفت و پس از آن من برای ادامه تحصیل به قم مهاجرت کردم. خانه‌ای اجاره کردم و به اتفاق خانواده به قم آمدم. بخش‌هایی از رسائل مانده بود و من آن بخش را در محضر آیت الله میرزا علی مشکینی خواندم. مرحوم آقای مشکینی که در مسجد عشقعلی درس می‌گفت، انصافاً عالی درس می‌داد؛ خیلی عالی درس می‌داد. بخش‌هایی از اصول را نیز خدمت سید حسین قاضی طباطبایی خواندم و بخش‌هایی از مکاسب را در خدمت آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی خواندم و بخش‌هایی از مکاسب را نیز در خدمت آیت الله کافی الملک خواندم و بخش‌هایی از درسم را نیز در محضر آیت الله مجاهدی خواندم. خدا همه را رحمت کند! استادان بسیار خوبی بودند.

آقای مجاهدی شاعر اهل بیت، پسر ایشان هستند؟

بله، یکی از پسرهایش داماد من است. آقای مجاهدی شاعر هم برادر داماد من است. مرحوم آقای مجاهدی خیلی متدین بود. می‌آمد درس می‌گفت هر وقت در خیابان من می‌دیدم که وارد صحن می‌شود، عبا را روی صورتش می‌انداخت که یک وقت مردم نفهمند که ذکر می‌گوید. خیلی مقدس، خیلی متدین و خیلی ملا بود. بیشتر آقایان هم نزد ایشان درس می‌خواندند.

اینجا یادی هم بکنم از کسی که مجهول القدر است؛ زنده هم هست و بیشتر آقایان نزد ایشان درس خوانده‌اند؛ بنده هم بخشی از کفایه را نزد ایشان خواندم. آقا میرزا ابوالفضل علمایی سرابی که الان زنده است؛ ولی بیرون نمی‌آید، فقط گاهی می‌آید و قدم می‌زند. خیلی ملاست، آیت الله العظمی بروجردی را با سؤال خود روی منبر نگه داشت؛ در حالی که نوزده یا بیست سال بیشتر نداشت. آیت الله العظمی بروجردی هم ایشان را بسیار تشویق کرد.

حاج آقا در دوره سطح با چه کسانی مباحثه می‌کردید؟ اصلاً مباحثه برایتان مهم بود؟ آن زمان، طلبه‌هایی که در دوره شما بودند، چقدر به مباحثه اهمیت می‌دادند؟

احسنتم! مباحثه بسیار مهم بود. این را خوب گوش کنید! یک نفر بود به نام آقا میرزا حسین عیوقی که از اطراف سراب تبریز بود. ایشان پیش از ما به قم آمده بود و ما را می‌شناخت. قرار گذاشتیم با ایشان مباحثه کنیم. مباحثه می‌کردیم تا نوبت به کفایه رسیده بود، کفایه بحث می‌کردیم؛ کجا؟ در مسجد سلماسی. در مسجد سلماسی ما می‌رفتیم جلوی پنجره‌ها می‌نشستیم و بحث کفایه می‌کردیم تا نوبت درس امام؛ می‌رسید. آن وقت به ایشان آقای خمینی می‌گفتند. امام؛ تشریف

دیدار با مردی که عمر خود را صرف تدریس فقه آل محمد کرده است

آیت الله محسن غروی: امام به طلبه‌ها بسیار محبت داشت

آن کوچه درآمد بودم، گفتم: آقای توکلی آقازاده؟ گفت خوب شد؛ زن هم گرفت. امام؛ عجیب بود؛ بسیار محبت داشت؛ خیلی به من محبت داشت.

درس آقایان دیگر چطور بود؟ می‌شود درباره استادانتان یک مقدار صحبت بفرمایید؟

انصافاً مرحوم آقای حجت خیلی عالی بود، آقای داماد انصافاً عالی درس می‌گفت؛ خیلی هم به ما محبت داشت. آن وقت اینها همه‌شان خوب بودند؛ آقای شریعتمداری؛ آقای گلپایگانی؛ این آقای گلپایگانی؛ وقتی درس می‌گفت، انصافاً خیلی عالی بود. تشویق می‌کردند، من مشاهد رقتم زیارت مرحوم آقای میلانی که خیلی ملا بود و تابستان‌ها یک زیرزمین بزرگ داشت که وسطش هم حوض بود. آنجا می‌نشست و آقایان می‌آمدند به دیدنش. دم در می‌نشست؛ هم ترکی می‌دانست هم فارسی، هم عربی. بعضاً ترکی می‌گفت؛ ما را می‌دید ترکی می‌گفت. من دیدم اخوان مرعشی هم آنجا بودند، آن وقت یک نفر بلند شد و مسئله علمی پرسید. اخوان مرعشی پاسخ می‌داد و من دیدم که این پاسخ خوبی نداد. من اشکال کردم، آنها پاسخ دادند و من اشکال کردم. باز هم آقای میلانی اصلاً حرف نمی‌زد و به حرف‌های ما گوش می‌داد. در آخر که مباحثه ما تمام شد به من به لهجه ترکی گفت که هزار مرتبه بارک الله به شما؛ یعنی حرف پسندیده بود. بعد که بلند شدیم که بیاییم، فرمود: «لاجل الله آخر العهد من زیارتکم» از قضا آخرین عهد شد و آن سال مرحوم شد. ایشان خیلی ملا بود. حیف که الان میلانی پیدا می‌شود؟ شما الان نگاه کنید؛ از این پس، گلپایگانی درمی‌آید؟ خمینی در می‌آید؟ واقعا می‌گویم آقای حجت درمی‌آید؟ دیگر آنها تمام شدند.

حضرت عالی در کنار تحصیل، تدریس هم می‌کردید؟

از سیوطی، جامی، حاشیه ملاعبده، معالم، قوانین مطول و... همه این کتاب‌ها را دست کم پانزده بار درس گفته‌ام. می‌گویند فلانی همه کتاب‌ها را حفظ است. معروف هستم که می‌گویند حفظش است. چون خیلی درسش را گفته‌ام. اگر مبالغه نباشد بیشتر آقایان نزد من درس خوانده‌اند. یکی از بزرگان آمده بود اینجا، پرسیدم چه کار می‌کنی؟ گفت: درس می‌گویم. گفتم: چه می‌گویی؟ گفت: درس خارج می‌گویم. گفتم: کجا هستی؟ گفت: در کفایه در وضع هستم. گفتم: تعریف وضع را بفرمایید که آقای آخوند گفته است. گفت: «الوضع هو نحو اختصاص لفظ المعنی و ارتباط خاص بینهما» چند سؤال پرسیدم که اصلاً نمی‌توانست پاسخ بدهد. گفت: حاج آقا به ما این گونه درس را گفتند! ساده گفتند. حتی بعضی از آقایان می‌آیند و می‌گویم جایزه می‌دهم؛ از صرف می‌پرسم، اگر خوب پاسخ داد، جایزه می‌دهم، می‌ترسند و نمی‌آیند.

در دوره طلبگی شما، مباحث اخلاقی چقدر برای طلبه‌ها اهمیت داشت؟

آن زمان استاد میان کلمات و در میان درش یک حرف‌هایی می‌زد که آدم باید متدین بشود، درس بخواند. فلان آقا را ببین که ما باید آن گونه بشویم. آقایان چنین تحریکاتی می‌کردند؛ تحریک می‌کردند تشویق می‌کردند. همه طلبه‌ها هم انصافاً درس می‌خواندند؛ خدا شاهد است در صحن بزرگ، مقبره‌ها پر می‌شد، مدرسه فیضیه پر بود و همه درس می‌خواندند؛ واقعا درس می‌خواندند. چه درس‌هایی می‌خواندند چه زحمات‌هایی می‌کشیدند! دائم کتاب دستشان بود و مشغول بودند.

حضر تعالی درباره تألیفات خودتان نیز توضیحی بفرمایید؟

در کفایه شرحی نوشته‌ام که هنوز تمام نشده. شاگردانم می‌گویند که چون دو - سه دوره گفته‌ام نیاز به بازنویسی دارد. می‌خواهند چاپ کنند. خیلی زحمت می‌کشیدیم؛ شب و روز نداشتیم. اجداد الشرح، شرح معالم الاصول، شرح مبسوط مکاسب و شرح بر کفایه الاصول از نوشته‌های بنده است.

ادامه در صفحه بعد



واقعا درس می‌گفت. به به!

ارتباط استادان با شاگردان چگونه بود؟

آن زمان ممتازها را راه می‌دادند؛ ممتازها می‌آمدند منزل آقایان، ارتباط کامل داشتند. طلبه‌های خوب اشکال می‌کردند. برای مثال آقای خمینی؛ خیلی امتیاز قائل می‌شد. ما به خانه امام؛ می‌رفتیم؛ ایشان می‌نشست و ما بحث می‌کردیم و ایشان گوش می‌داد و هرگز دخالت نمی‌کرد تا مباحث شاگردان را ببیند. این گفتگوهای علمی بسیار کمک می‌کرد؛ مثل اینکه چند بار درس می‌خواندند. آن صفحه را که چند بار بحث می‌کردند، روان می‌شدند و وقتی استاد هم درس می‌گفت، اشکال می‌کردند.

این ارتباط امام؛ با شاگردان بسیار خوب بود. پس از آنکه ایشان به ایران بازگشت و ساکن قم بود، ما به دیدنش رفتیم. یک روز دیدم امام؛ زنگ زد که می‌خواهم شب پس از نماز بیایم منزل شما. من آن زمان کوچه ادیب می‌نشستم. کوچه ما بن بست بود، دیدم که امام؛ می‌آید، من با دو تا پسرانم بودیم. گفتم شاید مناسب نباشد فقط ما باشیم که در یک اتاق بنشینیم و من جوان با دو تا بچه‌هایم پیش امام؛ بنشینیم. مقابل منزلمان آقای توکلی بود که دبیر بود. یکی هم آقای برقی بود. یواشکی به آنها گفتم که بیایید؛ امام؛ می‌آید. شب بیایید؛ اما به هیچ‌کس نگویید. وقتی که شب شد - یک ساعت از شب رفته - پسر آمد و گفت آقا بیا کوچه را ببین! پر از مردم بود. اینها به زن‌هایشان و زن‌هایشان هم به همه گفته بودند. امام؛ وارد که شد یک باره دیدم ایشان از ماشین پیاده می‌شود، عبایش هم افتاده است. من دویدم کنار ماشین و ایشان را بوسیدم. آمد و دید کوچه پر است، جا نیست. وارد اتاق خانه ما شد و نگاه کرد. تبریزی‌ها یک مقدار اتاق‌هایشان را مجلل می‌کنند، وقتی ایشان وارد شد دید که اینجا مبل و صندلی گذاشته‌ام، پستی گذاشته‌ام، پتو انداخته‌ام. نیامد بنشیند و رفت آن طرف بین دو تا پنجره نشست که خالی بود و هیچی نبود، پنجره برای حیاط بود. امام؛ رفت آنجا و بین دو پنجره نشست. امام؛ با من هم شوخی داشت، محبت داشت. رقتم گفتم آقا بفرمایید آنجا، فرمود نه اینجا خوب است. گفتم: من عرض می‌کنم خوب نیست؛ بفرمایید آنجا. گفت باشد چشم! بلند شد و دستش را گرفت و آمد آنجا نشست. به پشتی تکیه نکرد؛ کنار پشتی نشست. گفتم آقا بفرمایید به پشتی تکیه کنید. فرمود که باشد چشم! من دستم را می‌گذارم رویش. دستش را گذاشت. آن آقای توکلی پسری هفت - هشت ساله داشت که بیمار شده بود. تمام دکترها را رفته بود؛ ولی درمان نمی‌شد. آمد به من گفت که من استکان بیاورم تا امام؛ بخورد، بدهیم کودک بخورد تا شفا پیدا کند. گفتم عیبی ندارد! خدا شاهد است ایشان استکان آب آورد، دادم امام؛ یک مقداری ذکر گفت بعد خورد و داد به ایشان. بچه هم آن را خورد. پس از مدتی از پدرش پرسیدم، گفت: خوب خوب شد. یکدفعه هم بیرون او را دیدم و وقتی از

که می‌آورد، همه بلند می‌شدند؛ حتی پسر ایشان آقا سید مصطفی، شیخ علی تهرانی، شیخ صادق خلخالی، همه می‌آمدند. جدا همه مدرسین به درس امام؛ می‌آمدند. امام؛ تشریف می‌آورد آنجا و می‌نشست؛ آقازاده ایشان نیز دم در می‌نشستند. امام؛ آغاز کرد: بسم الله الرحمن الرحیم. شروع کرد درس خارج بگوید و آقای خوئی یا آقای نائینی را رد بکنند. این رفیق و هم‌بحث من کنارم بود، تا امام؛ به اینجا رسید که آنها را رد بکنند، این دوست ما یک اشکال کرد. امام؛ ماند. خیلی عجیب بود! امام؛ ماند و فرمود که من امروز نیم ساعته درس را تمام می‌کنم؛ در صورتی که باید یک ساعته می‌گفت. گفت: ان شاء الله فردا. همه برخاستند و به این هم‌بحث ما نگاه کردند که این چه کسی بود که این گونه دقیق از امام؛ سوال کرد؟ آقا مصطفی و آقا شیخ علی، همه اینها تعجب می‌کردند. امام؛ فردا آمد و محکم وارد شد و نشست و گفت: اما بحث دیروزی! آن چند تا اشکال دارد؛ یکی آنکه آن آقا اشکال کرد. اسمش چیست؟ چون رفیق من بود گفتم: آقا شیخ حسین. فرمود: شکر الله تعالی سعیک، خیلی علاقه‌مند شده بود. آقایان بلند شدند ببینند این چه کسی بود که دیروز به امام؛ اشکال کرده و اشکال وارد بوده است و امام؛ هم تعریف او را می‌کند.

بعد آقای خمینی؛ رفت. انقلاب که شد ایشان تشریف بردند و در تهران ساکن شدند. یک روز به من پیام داده بودند که لطفاً آن آقا شیخ حسین را بفرستید اینجا منزل من؛ من خیلی دلم می‌خواهد ایشان را ببینم. این رفیق من خیلی هم شوخی می‌کرد. وقتی شیخ حسین نزد امام؛ رفت، امام؛ در یک پاکت، مبلغ قابل توجهی گذاشته بودند؛ چهل هزار تومان آن زمان، که برای خودش رقمی بود.

همه درس‌هایتان را با ایشان بحث می‌کردید؟

بله، با ایشان بحث می‌کردم. جواهر بحث می‌کردیم، کفایه بحث می‌کردیم، رسائل بحث می‌کردیم. به تازگی مرحوم شد؛ خدا رحمت کند! خیلی ملا بود.

آن زمان بیشتر طلبه‌ها بحث می‌کردند؟

بله، آن زمان با همدیگر بحث می‌کردند. مسجد اعظم پر می‌شد و طلبه‌ها بحث می‌کردند؛ خیلی زحمت می‌کشیدند. متأسفانه الآن آن مسائل اصلاً مطرح نیست دیگر نمی‌توانم خیلی توضیح بدهم، متوجه هستید که؟! **برای تدریس چند ساعت مطالعه می‌کردید؟**

من شب‌ها پنج - شش ساعت مطالعه می‌کردم. پنج - شش ساعت همه اینها را مطالعه می‌کردم. همه کتاب‌ها را نیز درس می‌گفتم. سه تا درس می‌گفتم؛ طوری درس می‌گفتم همه می‌گفتند بروید پیش آقای دوزدوزانی بخوانید؛ چون خیلی زحمت می‌کشیدم، واقعا زحمت می‌کشیدم.

ظاهراً شما پس از دوره سطح بیشترین مدت را در درس امام؛ تشریف بردید؟

بله، ده - دوازده سال درس خواندم. من نزد امام؛ دوازده سال اصول خواندم امام وقتی اصول می‌گفت،

هوش آدم، دیدم کارگران نانوايي مرا به داخل آوردند به دهانم چايي مي‌ريزند. يك مقدار هم نان دادند، بلند شدم به منزل آمدم.(۱۷)

۶- استاد سيد جلال الدين آشتياني

در شرح حال وی، اگر چه مرحوم شيخ سيفالله ايسي، جزء اساتيد ايشان شمرده نشده است، ولي آن چه مسلم است، اين است که استاد آشتياني نسبت به آقای ايسي علاقه و ارادت داشت و به طور مرتب جهت ديدار و استفاده علمی به منزل ايشان می‌رفت.

حجت‌الاسلام والمسلمين استاد سيد هادی خسروشاهی در بخشی از خاطرات خود می‌نويسد:

يك روز در مشهدمقدس به ديدار آقا سيد جلال الدين رفتم تا تجديد عهدي و ديداري به عمل آيد... ظاهر امر نشان می‌داد که ايشان عازم بيرون رفتن هستند، ولي خواست طوري نشان دهد که قصد خروج ندارد. گفتم: استاد حقير که تعارفي با حضرت عالي ندارم. اگر عازم جايی بوديد، من مزاحم نمی‌شوم؟ استاد گفت: نه، مهم نيست...

مقداری که صحبت کرديم. گفتم: استاد شما عازم رفتن بوديد و من مرخص می‌شوم. گفتند: واقعيتش اين است که من قصد داشتم به ديدن شيخ ايسي بروم که اهل فلسفه و معنا است و در مشهدمقدس گوشه‌گير و منزوی است و گویا که اين بلد، «دارالاهل الجهل ولدوی الفضائل دارالضيق والفتك» است.(۱۸) من گاهی به ايشان سر می‌زنم.

من اسم شيخ ايسي را قبلاً هم شنیده بودم، ولي او را ندیده بودم... پس از ورود و ديدار شيخ، طبق معمول بحث فلسفی شيخ و جلال آغاز شد و هر دو در امواج دريای بی‌کران حکمت مشاء و اشراق غوطه‌ور می‌شدند.(۱۹)

۷- استاد دکتر مهدی حائری يزدي(فرزند آيتالله مؤسس)

در مقاله‌ای دیدم که وی نیز مدتی به مشهدمقدس سفر کرد تا نجوم و اخترشناسی را در محضر شيخ سيفالله ايسي بیاموزد.(۲۰)

۸- دکتر احمد مهدوی دامغانی. او نیز در سال ۱۳۲۲ شمسی شرح منظومه را نزد شيخ سيفالله خوانده است.(۲۱)

علاوه بر اينان، آقایان شيخ جعفر زاهدی(۲۲) و شيخ علی ايسي محصل طسوجی(۲۳) و شيخ محمدرضا قدس و شيخ ابوتراب مدقق - از علمای حوزه مشهد - از شاگردان معظم له به شمار می‌آیند.

تألیفات

از اين فيلسوف و حکيم گمنام، آثار مکتوبی با عناوين زیر بر جای مانده است:

- ۱- عيون الحكم
- ۲- مطارح الفحول
- ۳- فوائد العرفان
- ۴- معرفة الربوبی
- ۵- رسالۀ فی البداء
- ۶- پاسخ افسری
- ۷- ترجمه احتجاج طبرسی

مجموع اين آثار به غير از احتجاج، در يك مجلد با ۳۵۵ صفحه وزیری تحت عنوان مطارح الفحول در سال ۱۳۳۱ شمسی از سوی چاپخانه طوس مشهدبه چاپ رسیده است. نسخه‌های چاپی اين اثر در قم کتابخانه آيتالله مرعشی نجفی شماره مسلسل ۶۲ و در مشهد کتابخانه آستان قدس موجود است.

مؤلف در تاريخ ۱۳۳۱/۹/۱ از نوشتن آن فارغ شد. يك نسخه ديگر مطارح الفحول نیز به ضميمه پاسخ، در کتابخانه مسجد اعظم قم، قفسه ۱۸ با شماره ۸۱ موجود است.

از سرنوشت ترجمه احتجاج چیزی حاصل نویسنده نشد.

ادامه در صفحه بعد

محدث و فيلسوف گمنام حوزه علميه مشهد

شيخ سيف الله ايسي ميانجی



رسائل، كفايه، موفق شد كتاب منظومه سبزواری و اسفارملاصدرا و كتاب اشارات بوعلی را مكرر برای طلاب علوم دينی و دانشگاهيان تدریس کند.(۱۱)

از سوی ديگر تاكيد وی بر اعتقادات فلسفی خود، او را به شدت در تنگنای مادی و اقتصادی قرار داد تا جايی که ديگر تأمین نیازهای اوليه زندگی و خانواده برايش مشكل

شد. به ناچار مدیریت یکی از دفاتر اسناد و ازدواج را بر عهده گرفت تا به اين وسيله بخشی از نیاز مادی خود را تأمین کند. با اين حال او هرگز از نشر و تدریس فقه و اصول و فلسفه دست بر نداشت و تا آخر عمر با شور و نشاط به تعليم و تربيت شاگردان فاضل همت کرد.

در اين جا به معرفي چند نفر از شاگردان وی که تاکنون شناسایی شده اند، می‌پردازيم.

شاگردان فلسفه

۱- آيتالله سيد علی خامنه ای(رهبر معظم انقلاب) ايشان كتاب منظومه را نزد شيخ سيفالله ايسي تلمذ کرده‌اند. معظم له در ضمن بيان گوشه‌ای از خاطرات دوران تحصيل در مشهد، اظهار می‌دارند: «مدتی در درس مرحوم آقا ميرزا جواد تهرانی شرکت می‌کردم. در حقيقت درس فلسفه ايشان، رد فلسفه بود؛ زیرا، مرتب حرفه‌ای مرحوم ملاهادی سبزواری را عنوان و یکی یکی رد می‌کرد تا اين که روزی یکی از دوستان به من توصيه کرد که اين صحيح نيست. با اين روش تو نمی‌تواني مفاهيم حکمت و فلسفه را درک کنی. لذا بهتر است به درس کسی بروی که اعتقاد به فلسفه داشته باشد. من اين پيشنهاد را پذيرفتم و به درس آقای ايسي رفتم. ايشان مردی عالم و فاضل و حکيم و خیلی معتقد به فلسفه بود. درس منظومه پيش ايشان شروع کردم و او مطالب و مباحث اين کتاب را با دقت و با تمام اعتقادی که به فلسفه داشت، تدریس می‌کرد.

۲- آيتالله سيد علی سيستانی ايشان اکنون یکی از مراجع تقليد در نجف به شمار می‌آيند. وقتی در حدود شصت سال پيش در حوزه مشهدتحصيل می‌کردند، کتاب شرح منظومه و شرح اشارات و قسمتی از اسفار را از محضر شيخ سيفالله ايسي تلمذ کردند.(۱۲)

۳- آيتالله شيخ مسلم ملکوتی ايشان نیز که از آيات عظام در حوزه علميه قم و از اعظام حوزه نجف به شمار می‌آمدند، در سال تحصيلی ۱۳۲۴ شمسی که آذربايجان به تصرف حزب دمکرات و توده درآمد، در حوزه علميه مشهداقامت داشت و بخش مهمی از کتاب اشارات را نزد شيخ سيفالله استفاده کردند. معظم له در کتاب خاطرات خود که با قلم نویسنده تدوين شده است، به طور مفصل به اين موضوع اشاره کرده و توضيح داده است.(۱۳)

۴- آيتالله شيخ محمد واعظ زاده خراسانی

بله، نمی‌شود؛ هر دو با هم جمع نمی‌شود.

علامه امینی درس خوانده بود، ملا شده بود. علامه امینی صاحب الغدير را ببينيد! وفای آقای علامه را ببينيد! من با اينکه شاگرد پدرم بود، در عمرم علامه را ندیده بودم. يك روز که منزل آقای شريعتمداري بودم، دیدم يك شيخی در تبريز بود به نام آقا ميرزا ابوالفضل سرابی که درس می‌گفت؛ پيرمردی بود. دیدم او وارد منزل آقای شريعتمداري شد؛ اندرون. آن وقت نگو رفته منزل علامه امینی و علامه مدتی در تهران برای درمان ساکن بودند. وارد اتاق شد و به من گفت که علامه امینی از شما می‌پرسيد؛ برويد و ايشان را ببينيد. گفتم: چشم! فردا جمعه است درس ندارم و می‌روم. آن وقت رفتم به پسرعمويم که در تهران تاجر است تلفن زد که خانه علامه را می‌شناسی؟ گفت: بله. رفتم. يك اتاق داشت؛ دیدم يك نفر آنجا نشست که گویا دامادش

ادامه از صفحه اول

رسائل، مکاسب و كفايه را نیز در محضر مرحوم آيتالله حاج شيخ حسن برسی(۴) تلمذ کرد.

بعد به درس خارج فقه و اصول راه يافت و از محضر آيتالله العظمی حاج آقا حسين طباطبائی قمی و آيتالله حاج ميرزا محمد کفایي فرزند آخوند خراسانی، معروف به «آقا زاده» در فقه و اصول، بهره برد و به مراتب عالی رسيد.(۵)

اساتيد فلسفه و حکمت

شيخ سيفالله ايسي چون از دوران نوجوانی به عالم هستی توجه ویژه داشت و در چگونگی جهان آفرينش بسيار تامل می‌کرد، نهاد ناآرامش او را به سوی درس فلسفه و حکمت سوق داد و در اين رشته تلاش بيش‌تر کرد و از محضر اساتيد فن از جمله ميرزای عسکری(۶) معروف به «آقا بزرگ شهيدی»، ملامحمدعلی(۷) معروف به «حاجی فاضل»، شيخ اسدالله يزدي(۸) - که همه از عارفان و فيلسوفان و حکيمان بزرگ حوزه مشهدبودند - استفاده کامل کرد و خود در زمره اساتيد فلسفه و حکمت اين حوزه قرار گرفت.(۹)

تحول در حوزه مشهد

با وجود و حضور اين سه شخصيت بزرگ فلسفی در مشهد، حوزه اين شهر چهره عرفانی و فلسفی قوی داشت و مرکز تدریس فلسفه و حکمت به شمار می‌آمد. در سال ۱۳۴۰ قمری برابر ۱۳۰۱ شمسی مرحوم آيتالله حاج ميرزا مهدی غروی اصفهانی(متوفای ۱۳۶۵ قمری) از نجف وارد اين حوزه شد. او که یکی از شاگردان آيتالله ميرزای نايینی بود. با تدریس خارج اصول، شاگرد بسياری تربيت کرد و همه را تحت تأثير افکار و اندیشه‌های خود قرار داد و در لايه لای تدریس خويش، مکتبی را تحت عنوان «مکتب معارفی آل محمد، صلی‌الله عليه وآله»، که بر پایه ضديت با اساس فلسفه تنظيم شده بود، به شاگردان انتقال داد و در مدت اندکی، چهره فلسفی حوزه مشهد را دگرگون ساخت، به طوری که بعضی از شاگردان ايشان که تدریس فلسفه می‌کردند، در صدد نقد و نفی فلسفه برآمدند و بعضی از کسانی هم که اعتقاد به فلسفه داشتند، به تدریج، منزوی شدند و در حاشيه قرار گرفتند و احياناً تحت تأثير و تسليم فضای حاکم شدند.

در اين ميان، شايد تنها کسی که يك تنه در مقابل پيروان اين مکتب ايستاد و در جلسات علمی از مبانی فلسفی خويش دفاع کرد، آقای ايسي بود. از قول مرحوم حاج شيخ (کروکی استاد محمود شهابی) نقل است که می‌گفت: «وقتی افکار و اندیشه‌های مرحوم شيخ ميرزا مهدی اصفهانی در مشهد فراگير شد، کلهم آمنوا به حتی الراشد الا الايسي!».(۱۰)

تدریس فقه و اصول و فلسفه

در اين فضا و دگرگونی، یکی از کسانی که بر مبانی اساتيد فلسفه در حوزه مشهد عنايت و پافشاری داشت و از آن دفاع می‌کرد، مرحوم شيخ سيفالله ايسي بود. او علاوه بر تدریس کتب شرح لمعه، قوانين، مکاسب،

ادامه از صفحه قبل

برخی از طلبه‌ها می‌خواهند فعاليت‌های اجتماعی، تبليغی و سياسی هم داشته باشند، اينها چطور با درس قابل جمع است؟ يعنی خود شماها يا استادان ديگر چگونه اينها را جمع می‌کرديد؟

نه قابل جمع نيست؛ واقعاً قابل جمع نيست. آن گونه که من می‌گويم واقعاً بشود در آینده حجت، بشود بروجردي، بشود خمينی؛ نه ديگر آن با آنها جمع نمی‌شود. مثلاً آقای بروجردي خیلی فلسفه نمی‌دانست؛ بابراین وقتی يك فيلسوف از خارج آمده بود خدمت آقای بروجردي که آقای بروجردي بحث کرده بود. آقای بروجردي ديده بود نمی‌تواند از عهده‌اش بريبايد، گفته بود برويد علامه طباطبائی را بياوريد. علامه آمد، بحث کرد و او را مغلوب کرد. پس از آن هم رفته بود تهران و حرف علامه را نیز پخش و ترويج کرده بود.

ادامه از صفحه قبل

یک نسخه خطی از رساله فی البداء به خط مؤلف در بخش خطی کتابخانه آستانه قدس به شماره عمومی ۶۷۲۱و به شماره خصوصی ۱۰۲۹ نگهداری می‌شود. مولف در تاریخ ۱۳۲۴/۷/۶ از نوشتش آن فارغ شده است.

از مجموع آثار قلمی این عالم پرتلاش به خوبی استفاده می‌شود، وی ضمن اشراف کامل به مبانی فلسفه مشاء و اشراق در بهره‌گیری و آگاهی از روایات نیز کاملاً متبحر و مجتهد بود. شیخ سیف‌الله در کتاب مطارح الفحول با گرایش خاص فلسفی به ابحاثی مانند اثبات ذات خدا، اقسام صفات خدا، بداء، جبر و اختیار، خودشناسی، اقسام نفس، نفس ناطقه، نفس حیوانی، قوای هر کدام، قوای حواس پنجگانه، اقسام موت، موت ارادی و اختیاری، کیفیت نزول جبریل و وحی، چگونگی مغایرت نفس با بدن، حدوث و قدم نفس... پرداخت و آن‌ها را از دیدگاه قرآن و حدیث مورد بحث و بررسی قرار داده است. در هر بخش، به مناسبت موضوع، روایات متعددی را از اصول کافی و توحید صدوق و کتب دیگر نقل می‌کند و به گونه‌ای لطیف به شرح و تفصیل آن می‌پردازد. او در لابه لای این همه، به شرح موضوعات ظریف دیگر مثل «قلب المؤمن عرش الرحمن»، «قسیم الجنه والنار بودن امام علی، علیه‌السلام» و فلسفه تقدم آن حضرت و فرزندان معصومش، علیهم‌السلام، بر تمام بشر از جمله انبیای الهی، علیهم‌السلام، به استثنای نبی مکرم اسلام، صلی‌الله علیه وآله، روی آورده و با طرح سؤال و شبهات و پاسخ از آن‌ها، به خوبی از عهده این همه برمی‌آید.

کتاب دیگر وی به نام پاسخ افسری در شرح و تفصیل اعجاز قرآن است. وی در جواب شخصی به نام «محمد هاشم افسری» که ظاهراً از شاگردانش بوده، این کتاب را به رشته تألیف درآورده است. این اثر نیز به همان روش مطارح الفحول است که ضمن پرداختن به مباحث فلسفی، از آیات و روایات نیز به وجه احسن بهره‌برداری کرده است. تألیف این اثر در تاریخ ۱۳۱۷/۹/۱۰ به پایان رسید. مرحوم آقای مهدی ولّائی از کارشناسان کتب خطی در کتابخانه آستان قدس رضوی که خود از شاگردان شیخ سیف‌الله ایسی بود و مرتب به منزل ایشان رفت و آمد داشت، طی مصاحبه‌ای که با نویسنده در تابستان ۱۳۷۹ داشت، می‌گفت:

آقای ایسی تا آخر، شور و نشاط ستودنی به تدریس و

تحقیق و بحث و گفت‌وگو در رشته‌های مختلف علمی، بخصوص فلسفه و کلام و عرفان داشت. هر هفته صبح روزهای جمعه در منزل ایشان، واقع در محله نوغان، مجلس روضه خوانی و توسل برقرار می‌شد. اقشار مختلف مردم و علما و شخصیت‌ها سرشناس در آن حضور می‌یافتند. پس از پایان مراسم دعای توسل، تا وقت اذان ظهر، بحث‌های علمی ادامه پیدا می‌کرد و از انتظار و اظهارات ایشان بهره گرفته می‌شد. علاوه، او در یکی از شبستان‌های مسجد گوهرشاد، به اقامه نماز جماعت می‌پرداخت.

فرزندان

مرحوم ایسی چون از همسر اولی، مرحومه حاجیه خانم «ثریا کشتی بان» صاحب فرزند نمی‌شد، به ناچار همسر دوم به نام خانم «ترگس حسن زاده گلستانی» اختیار کرد. و از وی دو فرزند پسر به نام‌های رضا و علی دارد.(۲۴)

درگذشت

در نهایت، در سال ۱۳۴۲ شمسی برابر ۱۳۸۲ قمری بر اثر بیماری طولانی، چشم از جهان فرو بست و در قبرستان اختصاصی فلاسفه و عرفا، واقع در منطقه کوهسنگی مشهد، جنب مقبره اساتید حکمت و فلسفه به خاک سپرده شد.

تذکر چند نکته

در پایان جا دارد به دو نکته مهم اشاره شود: یکی این که در بعضی نوشته‌ها از این عالم به نام «شیخ رضا ایسی» یاد شده که اشتباه است و در حوزه علمیه مشهد، شخصیت فلسفی به این نام وجود ندارد. به احتمالی چون کتاب مطارح الفحولوی به کوشش فرزند بزرگش رضا ایسی چاپ شده است. سبب خلط پسر با پدر باشد. دوم این که در بعضی اظهارات دیگر، ایشان به عنوان «شیخ سیف‌الله ایسی بادکوبه‌ای» معرفی و به بادکوبه منسوب شده است. این هم متأسفانه صحیح نیست و باید دقت شود. منشا این اشتباه هم این است که چون وی هنگام تشرّف به حوزه مشهد از راه بادکوبه که در آن زمان راه انحصاری آذربایجان به خراسان بود، وارد مشهد شده و بعد هم در مدرسه خیرات خان با طلاب و فضلالی بادکوبه‌ای از جمله میرزا علی اکبر بادکوبه‌ای (مدیر مدرسه خیرات خان) و شیخ احمد بادکوبه‌ای و شیخ باقر بادکوبه‌ای و میرزا جبرائیل بادکوبه‌ای(استاد شرح لمعه) ارتباط نزدیک داشت، موجب این توهم شده است.

سوم این که در بعضی آثار و منابع، نام ایشان با پسوند «گرمردی» آمده است. که منطقه گرم‌رود به بخش شمال شهرستان میانه اطلاق می‌شود و روستای غریب دوست در همین منطقه قرار دارد.

در بعضی اظهارات هم از وی به عنوان «شیخ یوسف

محدث و فیلسوف گمنام حوزه علمیه مشهد؛ شیخ سیف‌الله ایسی میانجی

ایسی» نام برده شده است که منظور از همه این‌ها یک فرد آن هم حاج شیخ سیف‌الله ایسی است.

وجه تسمیه وی به «ایسی» هم این است که ایس در مقابل لیس، به معنای وجود در برابر عدم است. ظاهراً ایشان خواسته به این وسیله خود را به وجود منسوب کند و از عدم دوری جوید و بدین ترتیب به اصالة‌الوجودی خویش تصریح نماید. والله العالم.

ایسی، به کسر الف است. متأسفانه برخی در ضبط و تلفظ آن دچار اشتباه شدند.

مرحوم آیت‌الله احمدی میانجی می‌فرمود:

بعضی از شخصیت‌های بزرگ شهرستان میانه، به دلایل مختلف به شهرهای بزرگ منسوب شدند. در مواردی خود آنان نخواستند، به میانه منسوب شوند. گاهی نیز دیگران این کار را در حق آنان روا داشتند. به همین خاطر گاهی که فرصت پیش می‌آمد، این نکته را تذکر می‌دادند و توصیه می‌کردند این افراد شناسایی شوند و از تحریف منزّه گردند. چند مرحله این نویسنده از معظم له شنید که می‌فرمود: « وقتی می‌خواستم یکی از کتاب‌هایم را در تهران چاپ کنم، ناشر نام مرا در روی جلد به عنوان «علی احمدی» زده بود. چون متوجه شدم، تذکر دادم که حتماً قید «میانجی» هم به آن اضافه شود و او نیز قبول کرد.

* پاورقی‌ها:

۱- این بخش از زندگینامه وی از مقدمه کتاب مطارح الفصول به قلم فرزند بزرگ او آقای رضا ایسی استفاده شد.
۲و۳- ر.ک: مطارح الفحول، شیخ سیف‌الله ایسی، کوشش رضا ایسی، مقدمه.

۴و- شیخ حسن برسی از مدرسان بزرگ سطح در حوزه مشهد بود و در سال ۱۳۵۳ قمری به رحمت ایزدی پیوست. پسرش شیخ عبدالجواد برسی نیز از چهره‌های معروف و از اساتید این حوزه بود که در سال ۱۳۸۲ قمری درگذشت و در صحن عتیق دفن شد. مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج اول، ص ۱۰۷.

۶- میرزای عسکری شهیدی معروف به آقا بزرگ، فیلسوفی معروف و استاد مسلم فلسفه در حوزه مشهد بود. ۲۳ سال در این حوزه تدریس حکمت کرد و اکثر علاقمندان این رشته از محضر درس او استفاده بردند. وی در سال ۱۳۵۵ قمری چشم از جهان فرو بست و در مقبره اختصاصی فلاسفه واقع در کوهسنگی به خاک سپرده شد. منبع: گزارش از سابقه حوزه علمیه مشهد، سیدعلی خامنه‌ای، ص ۲۴.

۷- ملامحمد علی معروف به حاجی فاضل که از شاگردان میرزای شیرازی و در فقه فلسفه میرز بود و در مشهد ریاست علمی حوزه و مسند قضاوت شرعی داشت. وی علاوه بر تدریس فقه و اصول، کتب معمول

مجموعه یادداشت‌های عاشورایی حجت‌الاسلام زائری منتشر شد

و حقایق‌اند. این پایگاه‌های عظیم دینی و مذهبی را نه‌تنها دشمن خارجی، بلکه بی‌توجهی و نادانی داخلی تهدید می‌کند. اگر پرچم مقدس و نورانی کربلا و عاشورا را با دست پاک تبییّت و تولا بر نداریم، معلوم نیست پای کج خودرایی و خودپسندی، ما را به کدام بیراهه سوق دهد. اگر در اظهار عشق و شوق به ساحت مبارک حسینی همان‌گونه نباشیم که بدان

امر شده‌ایم، مشخص نیست سر از کدام وادی جهالت و ظلمت به در خواهیم آورد.»

این نویسنده در بخشی دیگر می‌نویسد:

«روایات متعددی که با تعبیر «رحم الله من احیا امرنا» قرین شده‌اند، مصادیق متنوعی را در بر می‌گیرند که همه بر حفظ شعائر و برپاداشتن مجالس حسینی و ترویج معارف و نقل احادیث اهل‌بیت تأکید دارند. وقتی‌که تلاش دشمن نابودی این بنیان رستگاری و محو خط اصیل هدایت است، هرچه در جهت مقابل به حفظ این بنیان کمک کند و این خط را برجسته‌تر و پررنگ‌تر جلوه دهد، مورد رحمت و عنایت خداست. مضمون مشترک این احادیث توصیه به ارتباط اجتماعی



متفکر برجستهٔ مغرب، سید ادریس هانی) و خیر سرمان منتظر آقاییم!»

دکتر زائری در بخشی از کتاب می‌نویسد:

«در حفظ و صیانت از بزرگ‌ترین ثروت شیعه، یعنی میراث عظیم عاشورا، اگر هر کس به راه خود رود و ساز خود زند و بر طبل میل و تشخیص خود بکوبد، دور نیست گمراهی و از مقصد دور افتادن.

نگوید خودشان حفظ می‌کنند و مراقب‌اند. در طول تاریخ، انحرافات بزرگ از مکتب اهل‌بیت و شکل‌گیری مکاتب و مذاهب گوناگون شش‌امامی و هفت‌امامی را کسانی آغاز کردند که هم در علم و ایمان از ما مدعی‌تر بودند و هم در نسبت و قرابت، از خاندان امامت به‌شمار می‌رفتند.

خطر از دو سو در کمین این میراث عظیم است. هم از جانب دشمن آگاه خارجی که قدر و قیمت این متاع گران‌بها را به‌درستی می‌داند و هم از جانب دوست ناآگاه داخلی که قدر و قیمت آن را به‌درستی نمی‌شناسد.

هیأت‌ها و مجالس حسینی مهم‌ترین پایگاه‌های حفظ مکتب شیعه و حساس‌ترین کانون‌های شورآفرینی و آگاهی‌بخشی و مبارزه با ظلم و فساد و گسترش معارف

فلسفه را نیز تدریس می‌کرد و در سال ۱۳۴۲ قمری چشم از جهان فرو بست و در کوهسنگی به خاک سپرده شد. منبع: همان.

۸و۹- شیخ اسدالله یزدی که حکیمی وارسته بود و تا آخر عمر با مال تجرد و در مدرسه گذرانید و شاگردانی در حوزه درس خود تربیت کرد ودر سال ۱۳۴۲ به رحمت ایزدی پیوست و در کوهسنگی مقبره فلاسفه به خاک سپرده شد. منبع: همان.

۱۰- گاهی به این مکتب «مکتب معارفی اهل بیت» یا «مکتب معارفی خراسان» اطلاق می‌شود. استاد محمد رضا حکیمی نام آن را «مکتب تفکیک» گذاشته است که برخی این نامگذاری را دقیق و صحیح نمی‌پذیرند.
۱۱- تاریخ حکما و عرفا و متأخرین صدر‌المتألهین، منوچهر صدوقی سه‌ا، ص ۷۱.

۱۲- گزارشی از سفر آقای احمد مسجد جامعی به عراق و دیدارش با آیت‌الله سیستانی ۱۳۷۸/۱/۷ به نقل از سایت فردا.

۱۳- ر.ک: خاطرات آیت‌الله مسلم ملکوتی، ص ۳۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۸.

۱۴- اندیشه حوزه، سال پنجم، ش سوم، ص ۱۵۰.
۱۷و۱۶و۱۵- پژوهشی در حدیث و فقه، استاد کاظم مدیر شانه‌چی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۸- یعنی این شهر مکانی (آسوده) برای جاهلان است و برای اهل فضل مکان تنگایی و مرگ می‌باشد.

۱۹- پایگاه اطلاع‌رسانی استاد سید هادی خسروشاهی، آخرین خاطره در ذیل (چندنامه تاریخی، سیاسی استاد آشتیانی، یادمان ۶)

۲۰- سایت کانون ایرانی پژوهشگران فلسفه و حکمت (زندگینامه مهدی حائری).

۲۱- سایت بخارا به نقل از مجله بخارا، ش ۴۱ع ص ۲۵۸ تا ۲۸۲.

۲۲- مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ص ۴۰۴ و گلشن ابرار، ج ۷، ص ۳۲۴.

۲۳- به نقل از آقای حسین ایسی طسوجی فرزند ارشد وی، مسئول امور دینی و بقاع متبر که اداره اوقاف استان خراسان رضوی.

۲۴- مصاحبه این نویسنده با خانم نرگس حسن‌زاده، مشهد، تابستان ۱۳۷۹.

* یکی از کسانی که بر مبانی اساتید فلسفه در حوزه مشهد عنایت و پافشاری داشت و از آن دفاع می‌کرد، مرحوم شیخ سیف‌الله ایسی بود

* آقای ایسی تا آخر، شور و نشاط ستودنی به تدریس و تحقیق و بحث و گفت‌وگو در رشته‌های مختلف علمی، بخصوص فلسفه و کلام و عرفان داشت

منبع: روزنامه جمهوری اسلامی

مجموعه یادداشت‌های عاشورایی حجت‌الاسلام زائری منتشر شد

شیعیان، عبادت از بیماران شیعه، رسیدگی مالی به نیازمندان شیعه، حضور در تشییع جنازه و مجالس ختم و سوگواری آنان، برپایی مجالس خانگی و بیان و نقل احادیث در این مجالس، اقامهٔ عزای اهل‌بیت(ع) و یاد کردن مصیبت‌های آنان، فراگرفتن معارف دینی و تعلیم آن‌ها به دیگران است. تأکید بر دیدار و ملاقات شیعیان با یکدیگر تا جایی است که در روایتی نقل شده است: «من لم یقدر علی زیارتنا فلیرز صالحی موالینا»؛ هر کس نتوانست به زیارت ما اهل‌بیت بیاید، یکی از دوستان صالح ما را زیارت کند! و بدین‌وسيله، مسیر احیا و زنده‌کردن جریان هدایت ترسیم می‌شود.

بدین‌ترتیب، هر کسی با هر وسیله و امکانی می‌تواند زنده‌کنندهٔ امر اهل‌بیت باشد، نه‌تنها دانشمند یا نویسنده یا فیلمساز و هنرمند یا معلم و شاعر ... می‌توانند خود را در دایرهٔ دعای فرزندان پیامبر و شمول رحمت الهی قرار دهند، بلکه حتی کارمند یا مغازه‌داری ساده و راندهٔ تاکسی و زن خانه‌دار معمولی هم می‌توانند زنده‌کنندهٔ این امر باشند. نقل و ترویج احادیث و برپایی مجالس حسینی و اقامهٔ شعائر و ترویج آن‌ها، گاه با پوشیدن لباس مشکی و نصب پوستر یک حدیث بر دیوار محقق می‌شود. این سفره‌ای است که برای همه پهن شده است. از فیض رحمت الهی غافل نماییم.»

لذا ضرورت اولویت شناسی بحران ها و چالش ها در جهان اسلام در میان علمای اسلامی و لزوم پرداختن به مسأله فلسطین و آزادی قدس شریف در کنار مقابله با دیگر چالش های جوامع اسلامی به ویژه مقابله فکری و نظامی با گروه های تروریستی تکفیری از مهمترین مولفه های رفع مشکلات جهان اسلام می باشد، لذا کنفرانس عظیم وحدت اسلامی می تواند ظرفیتی بی بدیل از دغدغه علمای اسلامی و دولت های اسلامی را در رفع مشکلات جهان اسلام و تقویت هم گرایی مسلمانان فراهم نماید.

نباید فراموش نمود جوامع اسلامی با دخالت ها و توطئه های آمریکا و دیگر قدرت های استکباری و رژیم های مرتجع عربی به سرنوشت بغرنج کنونی مبتلا گشته است، بحران سازی در سوریه، عراق، لبنان، یمن،... همگی حاکی از طرح و نقشه شیطان بزرگ و متحدانش در راهبرد اختلاف افکنی در میان امت اسلامی است تا امنیت رژیم صهیونیستی و نیز رضایت لابی سرمایه داری صهیونیسم در آمریکا محقق گردد، لذا امید است برگزاری موفق بیست و هشتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی در تهران در تقویت بصیرت و دشمن شناسی علمای اسلامی در مقابله با دشمنان اصلی مسلمانان و همگرایی بی نظیر اندیشمندان اسلامی در مقابله فکری و اعتقادی با گروه های تکفیری و ارائه راهکارهایی برای برون رفت از وضعیت کنونی نقش به سزایی ایفا نماید.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی: سند مقابله با تکفیر تدوین شود

این دیدگاه، اتباع هر مذهب دیدگاه های خود را نباید چنان در جامعه دنبال کند که منجر به وقوع اختلافات اجتماعی میان مسلمانان گردد و در نتیجه میان آنها تعایش برقرار نشود.

نماینده حوزه علمیه قم و جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس قاهره، بهره گیری از نگاه فطری به تعایش همراه با تمرکز بر قیود و آموزه های اسلامی را مورد تأکید قرار داد و بیان داشت: قیود و آموزه های اسلامی برای تقویت و دادن رنگ الهی به تعایش است و ابعاد انسانی آن را تقویت می کند. حجت الاسلام والمسلمین مبلغی تصریح کرد: تعایش در اسلام امر تاسیسی نیست بلکه نظریه اسلام برای همزیستی و تعایش ماهوی و فطری است و همان چیزی که با فطرت انسان کاملاً سازگار است را معیار و ملاک قرار داده است و البته با قیودی آن را عمق و رنگ الهی بخشیده است. وی در مراسم اختتامیه این کنفرانس بین المللی نیز در سخنانی از برگزاری این کنفرانس از سوی دانشگاه الازهر قدردانی کرد.

استاد برجسته حوزه علمیه قم با تأکید بر نقش محوری جمهوری اسلامی ایران و کشور مصر در مبارزه با تکفیر و افراطی گری گفت: مبارزه با تکفیر که خطر بزرگ آن کبان جامعه اسلامی را تهدید می کند جز با همکاری، همراهی و تمرکز بر نقاط مشترک امکان پذیر نیست.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی در حاشیه کنفرانس مبارزه با افراطی گری در گفت و گو با رسانه های مصری در پاسخ به سوالات مکرر رسانه های جهان مبنی بر ارتباط ایران و مصر در افق های آینده خاطرنشان کرد: ایران و مصر دو کشور بزرگ هستند که هر کدام دارای مرجعیت فکری در دنیای اسلام هستند بنابراین همراهی این دو کشور در موضوعات مختلف از جمله مقابله با تکفیر و افراطی گری در دنیای اسلام، بسیار مهم است.

وی ادامه داد: جمهوری اسلامی ایران آماده هر گونه همکاری، گفت و گو و تبادل نظر با الازهر مصر و مجامع فکری در جهان اسلام برای مقابله با معضلات و چالش های فرارو می باشد.

کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی؛ نقطه عطف اتحاد امت اسلامی

زهرآگین اندیشه های تکفیری فراهم سازد، فرصتی حیاتی که در روزهای اخیر و با اقدام در خور تحسین دو تن از مراجع عظام تقلید یعنی حضرت آیت الله مکارم شیرازی و حضرت آیت الله سبحانی در برگزاری کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام در افضاء ماهیت پلید گروه های تکفیری کلید خورد و ضرورت بیش از پیش اهتمام علمای اسلامی و امت اسلامی در مقابله با توطئه های استکبار جهانی و مقابله فکری و.. با گروه های تکفیری مورد تأکید قرار گرفت و انشاء الله با برگزاری بیست و هشتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، مسیر همگرایی اندیشمندان اسلامی در تقویت وحدت اسلامی به اوج خود خواهد رسید تا به سرانجام مطلوب منتهی گردد.

هم چنین نباید فراموش نمود بنا بر فرموده مقام معظم رهبری، مسأله قدس و فلسطین و ضرورت مقابله با اسرائیل تا محو این رژیم سفاک و کودک کش باید به عنوان مهمترین مسأله جهان اسلام مد نظر قرار گیرد. بی شک پدیده شوم یهودی سازی قدس شریف از سوی جلالان رژیم صهیونیستی و نیز کشتار بی رحمانه مردم مظلوم غزه در جنگ اخیر اسرائیل با رزمندگان فلسطینی و هم چنین اتخاذ تاکتیک مشت آهنین رژیم اشغالگر قدس در برخورد با معترضان فلسطینی در کرانه باختری رود اردن و...باید به عنوان مهمترین چالش های پیش روی امت اسلامی و دولت های مسلمان، مورد اهتمام ویژه قرار گیرد، که مسأله مسلح نمودن مبارزین فلسطینی در کرانه باختری می تواند بخشی از راهبرد دولت های اسلامی در تقویت مردم مظلوم فلسطین در مقابله با رژیم جنایتکار اسرائیل مورد توجه قرار گیرد.

های تکفیری و اراهایی و ارائه راهکارهایی برای برون رفت از وضعیت بغرنج کنونی جهان اسلام، ضرورت کنفرانس وحدت اسلامی را دو چندان نموده است. بدیهی است وضعیت فعلی جوامع اسلامی که با هجوم آموزه های تکفیری دستخوش اختلافات و چالش های فراوان گردیده است، در نوع خود هرج و مرج فکری و عقیدتی و رفتاری را برای جوامع اسلامی به همراه داشته است، به نحوی که برخی دولت های اسلامی به جای مقابله با آمریکا و اسرائیل و دیگر قدرت های زورگو، بر مبنای اختلاف افکنی و فرقه گرایی، خشونت های مذهبی را در متن توده های مسلمان اعمال نموده اند، که این اختلافات و واگرایی در میان امت اسلامی را باید در نوع خود تراژدی عصر حاضر در کشورهای اسلامی نامید، به عنوان نمونه نگارنده این سطور در سفر اخیر خود به بزرگترین و پرجمعیت ترین کشور اسلامی یعنی اندونزی گرچه اشتیاق زاید الوصف برادران اهل سنت را به آموزه های ناب و غنی اهل بیت(ع) به عینه مشاهده نمود، و همچنین مواضع مستحکم و در خور تحسین علما و اندیشمندان اسلامی این بلاد را در ضرورت اتحاد امت اسلامی را از نظر گذراند، لیکن نمی توان از خطر نفوذ اندیشه های مسموم تکفیری در بسیاری از بلاد اسلامی به ویژه اندونزی غفلت نمود، زیرا پدیده تکفیر به عنوان مهمترین عامل در ایجاد اختلاف و فروپاشی وحدت مسلمانان در نوع خود چالش های فراوانی را پیش روی جوامع اسلامی قرار داده است، از این رو ضرورت برگزاری کنفرانس هایی همچون کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی می تواند فرصتی گرانبها برای هم اندیشی همه علمای اسلامی در مقابله با تیرهای

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسین مختاری در یک قرن اخیر، جهان اسلام شرایط بسیار ویژه ای را تجربه می کند، وجود دشمنان مشترک بزرگی همانند آمریکا و اسرائیل و گسترش موج اسلام ستیزی و اسلام هراسی در غرب، و در مقابل، رشد بیداری اسلامی، زمینه های هم گرایی و تقریب را میان ملل مسلمان فراهم کرده است. هم چنین عمل کرد جنایتکارانه گروه های تکفیری، همانند داعش و دیگر گروه های تکفیری موجب افزایش اختلافات و خشونت های قومی و مذهبی و در نهایت تقویت اسلام هراسی را در میان جوامع بشری پدید آورده است.

در این میان، مسلمانان خسته از گرایش های تند تکفیری و اراهایی، امروز به دنبال یافتن مسیری برای وحدت و هم دلی هستند تا بتوانند در برابر دشمنان قدرتمند و متحد خود، پیروز شوند.

اما درحالی که امروز جهان اسلام، بیش از هر زمان دیگری به وحدت و یک پارچگی نیاز دارد، وهابیت تکفیری هم چنان بر طبل تکفیر می کوبد و همچون اسلاف خود، به جای مبارزه با دشمنان قسم خورده ی اسلام، بذر تکفیر را در جهان اسلام می پراکند و قوای مسلمین را تحلیل می برد.

لذا تأمین امنیت و ثبات جامعه اسلامی ایجاب می کند تا با برگزاری کنفرانس ها و نشست هایی همچون کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی پدیده شوم تکفیر و تکفیر گرایی و مقوله تروریسم و فرقه گرایی به صورت شفاف مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

هم چنین ضرورت وحدت اسلامی به ویژه هم نوائی و همگرایی علما و اندیشمندان مسلمان در مقابله با اندیشه

آیت الله اراکی:

اختلافات بین مذاهب نباید منشأ ستیز شود

هم اندیشی و نشست صمیمی شعرا با آیت الله «محسن اراکی» دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در شهر مقدس قم برگزار شد. آیت الله اراکی در این نشست طی سخنانی اظهار داشت: در قرآن کریم دو نوع زندگی برای انسان تعریف شده یکی زندگی غفلت و فراموشی و دیگری زندگی یاد و کاملاً این دو نوع زندگی در فرهنگ دینی ما تعریف شده است. وی افزود: با توجه به این تعریف ما دو نوع شعر هم داریم شعر یاد و دیگری شعر غفلت. شعر یاد شعری است که انگیزه های مثبت و درچه های مثبت را به روی انسان باز می کند و انسان را به زندگی جاودانه و خیر هدایت می کند.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب اظهار داشت: ما در آستانه هفته وحدت قرار داریم امیدوار هستیم هفته وحدت امسال به شکل باشکوه تری برگزار شود زیرا امروز جهان اسلام در برابر یک چالش بزرگ قرار دارد: که عظیم ترین چالشی است که امت اسلامی در طول تاریخ تاکنون با آن مواجه بوده است. وی با بیان اینکه این چالشی که امروز با آن مواجه هستیم چند بعدی است، اظهار داشت: مهمترین محور این چالش ایجاد شکاف و اختلاف در درون جامعه اسلامی است.

آیت الله اراکی افزود: این شکافی که برای جامعه اسلامی برنامه ریزی شده هدفش نابود کردن کل جامعه اسلامی است این شکاف می خواهد جامعه اسلامی را به یک جامعه دارای ستیز درونی تبدیل کند تا این جامعه از درون به کلی نابود شود. وی با بیان اینکه ما اکنون در یک نبرد بزرگ با دشمنان اسلام قرار داریم اظهار داشت: رزمندگان این جنگ اهل قلم، اهل ادب و اهل هنر هستند اینها باید الان خودشان را نشان دهند.

آیت الله اراکی با بیان اینکه اهالی هنر و قلم پیشتازان این جنگ هستند، اظهار داشت: یکی از تاکتیک های دشمن در این جنگ فراگیر ایجاد فتنه بین مذاهب و اقوام است.

وی افزود: دشمن در ماهواره ها و شبکه های اجتماعی از هر ابزاری برای ایجاد حس دشمنی بین مسلمین استفاده می کند.

آیت الله اراکی با اشاره به چالش های کنونی جهان اسلام اظهار داشت: به دلیل وجود این چالش ها و جنگی که اکنون علیه دین اسلام و ارزش های اسلامی راه افتاده لازم است که هفته وحدت امسال را با شکوهرتر از سالهای گذشته برگزار کنیم. وی با طرح این سوال مگر به هم ریختن جامعه اسلامی و ایجاد آشوب و جنگ درون جامعه اسلامی خدمت به اسلام است؟ آنچه در سوریه و عراق اتفاق می افتد دستاورد کیست؟ اظهار داشت: همه اختلافات و آشوب ها به نفع دشمنان اسلام و با هدف ایجاد شکاف در میان امت اسلامی است.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب با بیان اینکه اختلافات نباید منشأ جنگ و ستیز شود اظهار داشت: یکی بودن و متحد بودن به نفع ماست و در خیلی از زمینه ها می توانیم با هم همکاری کنیم تا قوی باشیم.

الاختلاف نویسی نمی تواند از پس اختلافات فکری در فضاهای اجتماعی برآید و بر همین اساس لازم است علمای اسلام کوشش کنند تا نظریه اختلاف فکری و مذهبی در جامعه را بر اساس دیدگاه های اسلام تنظیم و ارائه کنند.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی خاطرنشان کرد: نظریه اختلافات فکری می تواند جامعه را که دارای مجموعه های مذهبی مختلفی است از حیث مناسبات، تنظیم نماید. رییس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس گفت: اختلاف فکری در اسلام خود متاثر از یک نظریه بزرگتر است و آن نظریه همزیستی اسلامی است که نیازمند ارائه و طرح از سوی علمای اسلام است .

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی نظریه همزیستی اسلامی را در شرایط کنونی در جهان اسلام حائز اهمیت دانست و اصول چهارگانه آن را در این کنفرانس بزرگ اسلامی مورد تشریح قرار داد.

رییس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس، «تغافل در ساحت تعایش»، «فطری انگاری تعایش»، «دور سازی تعایش از عوامل خوف» و «ابتناء تعایش بر عیش گوارا و بدور از رنج» را اصول چهارگانه نظریه همزیستی اسلامی ذکر کرد.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی با اشاره به اصل تغافل (که مأخوذ از کلام امام باقر علیه السلام است که فرمود تعایش دو سوم آن زیرکی است و یک ثلث آن تغافل است) گفت: در یک جامعه در حال همزیستی، افراد و تابعان یک مجموعه مذهبی نباید بر دیدگاه های مذهبی خود در قبال اتباع مذاهب دیگر بیش از حد تمرکز کنند و باعث برانگیختن حساسیت های مذاهب دیگر شوند، بلکه باید از اصل تغافل بهره جست.

وی گفت: اگر بخواهیم اصل تغافل در فضای مناسبات اجتماعی را تحلیل کنیم باید گفت: لازمه تغافل، نگه داشتن اختلافات مذهبی در دایره اندیشه ها و اجازه ندادن به آنها برای اثر گذاشتن بر حیات و زندگی اجتماعی است.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی گفت: طبق

به گزارش روابط عمومی دانشگاه مذاهب اسلامی، حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی و رییس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی طی سخنانی در کنفرانس بین المللی «مبارزه با تروریسم و افراطی گری و تأکید بر نقش علما و موسسات دینی برای مقابله با افکار مخرب» که روزهای ۱۲ و ۱۳ آذرماه در قاهره پایتخت مصر برگزار شد، با بر شمردن ویژگی های تروریسم موجود، اظهار داشت: تروریسم موجود با تحریف محتوای آیات جهاد مردم را قتل عام می کند و متأسفانه لباس دین پوشیده است و این مساله با تکیه بر تحریف محتوای آیات جهاد صورت گرفته است.

دکتر مبلغی افزود: تروریست های افراطی نه تنها مسلمانان را نیز همانند غیر مسلمانان مورد هدف قرار می دهند بلکه تمرکز بیشتری بر کشتار مسلمانان دارند.

وی پایه و اساس تکفیر را قتل و کشتار دانست و گفت: آنها مسلمانان را تکفیر و سپس به قتل می رسانند و این مساله امروز فراتر از مرزها به مساله فراملی برای کشورها تبدیل شده و در تمامی نقاط منطقه نفوذ کرده است.

نماینده جمهوری اسلامی در کنفرانس قاهره با اشاره به ضرورت طرح و ارائه نظریه اختلاف فکری از نظر اسلام، پیشنهاد کرد: الازهر مصر به سمت تدوین سندی با توافق همه مراجع فکری جهان اسلام برای مبارزه با تکفیر پیش رود.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: بر اساس نگاه ما، تکفیر را نباید از زمینه های آن جدا کرد و لازم است به سمت نفی پیش زمینه های تکفیر برویم یعنی هر آنچه را که تکفیریان به بهانه وجود آن تکفیر می کنند را باید از میان جامعه برداشت. استاد برجسته حوزه علمیه قم گفت: بیان «آداب الاختلاف» نویسی امر بسیار مهمی است که بخشی از تراث مکتوب علمای گذشته را تشکیل می دهد. بر اساس آن عالمان دین در گفت و گوهای خود آداب اخلاقی را باید رعایت کنند. وی ادامه داد: باید اذعان داشت امروز آداب

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سردبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس:۰۲۶۳۷۷۴۱۴۲۳
مصدوق‌پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

دریافت نشان درجه یک پژوهشگر پیشکسوت‌دانشگاه تهران توسط دکتر داوری اردکانی

بیست و سومین جشنواره پژوهش و فناوری دانشگاه تهران ۲۴ آذر ماه در دانشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم از ۲۳ پژوهشگر برتر در بخش‌های پژوهشگر پیشکسوت نمونه، پژوهشگر برجسته، پژوهشگر نمونه و پژوهشگر جوان نمونه تقدیر شد و نشان درجه یک پژوهشگر پیشکسوت نمونه به دکتر رضا داوری اردکانی از استادان برجسته دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه اعطا شد.

از افتخارات دکتر داوری می توان به دریافت نشان درجه یک دانش از رئیس جمهوری، استاد ممتازی دانشگاه تهران، عضویت پیوسته در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس، استاد نمونه کشوری، عضویت خارجی در آکادمی علوم تاجیکستان، کسب عنوان فارابی شناس برجسته در نخستین جشنواره بین المللی فارابی، کسب عنوان چهره ماندگار کشور و برنده اولین جایزه ملی علامه طباطبایی در بنیاد ملی نخبگان اشاره کرد.

استاد داوری اردکانی از سال ۱۳۴۶ به عنوان عضو هیات علمی در دانشگاه تهران اشتغال داشته و در سال ۱۳۶۲ به مرتبه استاد تمامی دانشگاه تهران رسیده است.او همچنین در دانشگاه های سوربن فرانسه، جان هاپکینز امریکا، و دانشگاه های انگلستان به تحقیق و پژوهش پرداخته است. فیلسوف فرهنگ همچنین عضو هیات امنای دانشگاه تهران است.

دکتر داوری بیش از ۵۰ عنوان کتاب تألیف و ترجمه کرده است و صدها مقاله علمی و پژوهشی در کارنامه فعالیت های علمی و فلسفی ایشان به چشم می خورد. وی استاد راهنمای بیش از ۱۵۰ پایان نامه دکتری و کارشناسی ارشد بوده است. چند عنوان از کتاب های دکتر داوری به زبان های دیگر دنیا از جمله فرانسه، عربی، روسی و سیریلیک فارسی ترجمه شده اند.

اساتید فلسفه دانشگاه های ایتالیا و مترجمان در نشست «عصری با علامه طباطبایی» درباره مکاتبات علامه با پروفسور هانری کربن سخن گفتند. چرا فیلسوف فرانسوی مکتب شیعه دوازه امامی را برای شناخت برگزید؟

به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، رایزنی فرهنگی ایران در ایتالیا، نشست «عصری با علامه طباطبایی» را با حضور اندیشمندان و علاقمندان به فلسفه اسلامی در شهر رم برگزار کرد. این نشست به مناسبت ترجمه و چاپ کتاب «مکاتبات علامه طباطبایی و پروفسور هانری کوربن» به زبان ایتالیایی در محل سالن اجتماعات کتابفروشی «پگین» در شهر رم، با حضور ده‌ها اندیشمند، روزنامه‌نگار و علاقمند به فلسفه اسلامی، برگزار شد. خلاصه سخنان عنوان شده در این نشست را در ادامه می‌خوانید.

جوز په ایلو، ناشر کتاب و مسلمان شیعه ایتالیایی

✱ برای انتشارات خود، چاپ این کتاب ارزشمند را افتخاری بزرگ می‌دانم؛ چرا که موفق شدم در خصوص معرفی مکتب عقلانی شیعه که برای بسیاری از عموم ناشناخته است، گام مهمی را بردارم.

✱ سؤالات مطرح شده از سوی کربن در این کتاب شاید برای شما هم مطرح شده باشد، بنابراین می‌توانید پاسخ سؤالات خود را در آن بیابید. بایستی سعی کنیم که رسانه‌های گروهی افکارمان را تحت تاثیر خود قرار ندهند و خود به جست‌وجوی حقیقت اقدام کنیم.

✱ علامه طباطبایی در کتاب خود فقط به ارایه پاسخ به کربن اکتفا نمی‌کند؛ بلکه خواننده را با مفاهیم عمیق شیعی آشنا ساخته و پاسخ‌های عقلانی و فلسفی سؤالات مطروحه در ذهن آنها را ارایه می‌دهد.

قربانعلی پورمرجان، رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا

✱ امروزه گستره گفتمان علمای شیعه با سایر ادیان مرزهای جغرافیایی و فرهنگی را در نوردریده است و یکی از اندیشمندان معاصر شیعه که در این خصوص تلاش کرده؛ علامه طباطبایی بوده است. وی پس از سپری کردن مدارج علمی در کسوت فقیه، مفسر و فیلسوف شیعی، به تبیین مکتب اسلام پرداخت که ماحصل آن، تألیف یکی از برجسته‌ترین تفاسیر قرآن به نام تفسیر المیزان بوده که در نوع خود در دنیای اسلام، کم‌نظیر است.

✱ به رغم گذشت حدود نیم قرن از نگارش تفسیر المیزان، هنوز این تفسیر یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تفاسیر کتاب مقدس قرآن کریم است.

✱ اهمیت این اندیشمند اسلامی از حیث احیای

فلسفه و تفسیر شیعی بوده که خود به تدوین مباحث بنیادین معرفت‌شناسی شیعی انجامیده است. علامه طباطبایی با تألیف کتب متعدد و تربیت شاگردان برجسته در حوزه‌های فلسفی و فقهی، به گسترش گفتمان مکتب تشیع با مکانبی نظیر مارکسیسم و کاپیتالیسم و معرفی آموزه‌های تشیع در مغرب زمین، یاری کرده است.

✱ یکی از پرثمرترین نمونه‌های این گفتمان فرهنگی، آشنایی پروفسور هانری کوربن، مستشرق شهیر فرانسوی با علامه طباطبایی بوده که عمدتاً از طریق مکاتبه و پرسش و پاسخ صورت پذیرفته است. در جریان این مکاتبات و پاسخگویی علامه طباطبایی به پرسش‌های پروفسور کوربن در خصوص مکتب تشیع، علامه طباطبایی پرده از رمز و راز برخی از مفاهیم شیعی برداشت و داستان شکل‌گیری تشیع و مرجعیت شیعه و بنیاد یافتن علوم شیعی را روایت کرد و به اتهاماتی که علیه تشیع وجود دارد به شیوه عقلانی، پاسخ گفت. حاصل این مکاتبات کتابی بوده است که هم اینک فراروی شما خواننده گرمای است.

✱ از علامه طباطبایی پیش از این کتاب «شیعه در اسلام» در سال ۱۹۶۲ به زبان ایتالیایی ترجمه شده بود و نظر به اهمیت مکاتبات این دانشکند با هانری کوربن که نمونه عینی دیالوگ بین اندیشمندان اسلامی و غربی بوده است، به منظور گسترش منابع شیعه‌شناسی برای مخاطبین ایتالیایی‌زبان، این مکاتبات به زبان ایتالیایی هم ترجمه شده و در اختیار علاقمندان به مباحث شیعه‌شناسی در ایتالیا قرار گرفت.

پروفسور رولو، استاد فلسفه دانشگاه اینسوبریا در حومه میلان و رییس هیأت تحریره انتشاراتی میمس و مترجم «اسلام ایرانی» نوشته کربن از فرانسه به ایتالیایی

✱ کربن، فیلسوف بزرگ و شناخته‌شده دنیای غرب، مقابل علامه طباطبایی درست مانند یک دانشجو می‌نشیند و با تواضع خاص به سخنان حکیمانه او گوش می‌دهد. کربن، تشنه شناخت حقیقت بود و علامه را به عنوان منبعی برای برطرف کردن عطش خود می‌دید. ✱ کوربن به سخنان علامه طباطبایی به دقت گوش می‌داد و تعمق می‌کرد؛ چرا که به این اعتقاد داشت که برای درک سخنان علامه، راهی به جز تعمق کردن در بیانات او نیست؛ بنابراین روش اتخاذ شده توسط او برای مطالعه اسلام شیعه با روش‌هایی که دیگر فلاسفه شرق‌شناس در دنیای غرب انتخاب کردند، متفاوت بود. ✱ کربن معتقد بود که برای شناخت یک دین بایستی اجازه داد که او خود را به شما نشان دهد و بایستی تمامی روش‌های ابداعی در غرب برای مطالعه ادیان که هیچ استفاده‌ای هم ندارند را کنار گذاشت.

سخنان فیلسوفان ایتالیایی درباره شیعه از دیدگاه علامه طباطبایی

✱ چرا کربن مکتب شیعه دوازه امامی را برای شناخت برگزید؟ او اعتقاد داشت که شیعه مصداق کامل‌تری برای اجابت به دعوت الهی است. حضور امام و ولی فقیه در مکتب شیعه گویای این نکته است که مکتب شیعه برای پیروان خویش همواره پویا بوده و همواره و در هر زمان و هر دوره پاسخگوی سؤالات اوست. جمله‌ای که کربن را بسیار به فکر برده بود این جمله از پیامبر اسلام (ص) است که «هر کسی خود را بشناسد خدای خود را شناخته است» و در جلسات خود با علامه طباطبایی به این نکته رسید که علامه بر خودشناسی، بیش از هر نکته دیگر تأکید داشت.

پروفسور روسی، رییس انستیتوی تاریخ و فلسفه اندیشه معاصر در شهر لوکارنوی سوئیس و مدرس دانشگاه‌های میلان

✱ من کتاب «مکاتبات علامه طباطبایی و پروفسور هانری کوربن» را چندین بار مطالعه کردم و با هر بار مطالعه، مورد جدیدی را پیدا کردم که قبلاً در مورد آن اطلاعاتی نداشتم و باور دارم که اگر باز هم آن را مطالعه کنم به موارد دیگری هم برخورد خواهم کرد.

✱ جامعه اروپا یک جامعه پیر و جامعه آن سوی مدیترانه، جامعه‌ای است جوان که به دنبال آینده‌ای بهتر است؛ پس بهتر است ساختارهای مورد نیاز در جامعه در راستای گفت‌وگو با اسلام را تقویت کنیم؛ چون آینده اروپا با اسلام درهم خواهد آمیخت.

✱ مکتب شیعه به نظر، تنها مکتبی در اسلام است که از نظر تطبیق بین دین و منطق، هیچ مشکلی نداشته است. تطبیقی که فلسفه غرب هم در عملی کردن آن درمانده شده است. امام خمینی در سال ۱۹۴۳ کتاب «کشف الاسرار» را نوشت و در آن کتاب به افراطی‌گری که در بعضی از فرقه‌های اسلامی وجود دارد، حمله کرده و آن را محکوم می‌کند. اگر الان خوب بنگریم، هنوز هم ما در نقطه آغاز هستیم و هیچ پیشرفتی در خصوص از بین بردن افراط‌گرایی دینی نداشته‌ایم.

✱ ما روی کمک مکتب شیعه در خصوص آماده‌سازی مسیر گفت‌وگو می‌توانیم حساب باز کنیم؛ چرا که شیعیان هیچگاه سر جنگ با کسی نداشته و ندارند و کافی است در این مورد به تاریخ مراجعه کرد و دید که در بین جنگ‌های مذهبی اتفاق افتاده در طول تاریخ، کدام یک از آنها از سوی شیعیان آغاز شده است؟! برعکس، شیعیان مردمی بودند که حتی از سوی دیگر مسلمانان هم مورد ظلم واقع شده و می‌شوند.

✱ این کتاب و مکاتبه بین دو اندیشمند بزرگ، به خوبی بیان گر گفتمان بین دو دین و تمدن است. معتمد که برای داشتن دنیایی مملو از صلح و دوستی و عدالت بایستی اول از همه به شناخت دیگران اقدام کنیم.

امروز در جهان اسلام تفکر فلسفی مرده و تفکر سلفی‌گری و صوفی‌گری مطرح است

وی اضافه کرد: در کشور ترکیه شرکتی تولید کننده پیدا نمی‌کنید که با یک شرکت اروپایی مشارکت نداشته باشد آن‌ها از کشورهای غربی مهندس می‌آورند تا برای آن‌ها پل بسازد البته این بد نیست بد این است که مصرف کننده بار بیاند. این چه توسعه اسلامی است که حتی مساجدشان نیز معماری غربی دارد. باید از این‌ها سؤال کرد که تا چه زمانی می‌خواهید مصرف‌گرا باشید. وی با بیان اینکه کشوری مانند ترکیه هیچ عقبه فلسفی و فکری ندارد، گفت: اگر در یونان و روم علم پیشرفت کرد به دلیل عقبه فلسفی آن بود. ما باید از غرب بهره ببریم اما بهره‌گزینشی بر اساس عقلانیت اسلامی و کوتاه مدت. در غیر این صورت باید همیشه مصرف‌گرا باشیم نه بازیگر صحنه.

حجت الاسلام خسروپناه در پایان بیان داشت: ما در کشورمان دو منبع عقل و وحی را داریم اما باید مدیریت کشور نیز به سمت فرآیند کردن تعریف توسعه اسلامی و عینیت بخشیدن ان در جامعه تلاش کند. مشکل ما این است که هنوز برخی مدیران باور ندارند که ما می‌توانیم به توسعه اسلامی برسیم. برای عینیت بخشیدن به این فرآیند باید به منابع انسانی و نخبگان توجه بیشتری کنیم و آنها را ولو این که می‌روند در کشوری دیگر تحصیل می‌کنند حفظ کرده و به کشور خود بازگردانیم.

وی گفت: در رابطه با بحث توسعه نیز هرگز نباید توقع داشته باشیم که ۱۰ ساله و یا ۲۰ ساله تحولی شکل بگیرد به طوری که اگر رنسانس هم این چنین نبود. از قرن ۱۱ تا قرن ۱۳ یعنی ۴ قرن غربی‌ها به ترجمه آثار ابن سینا و ابن هیثم‌ها پرداختند تا در نهایت به عقلانیت رسیدند که این عقلانیت را هم از ابن سینا گرفتند که توانستند با اندیشه‌های ارسطو آشنا شوند و بعد در قرن ۱۷ بود که تازه تحولات علمی و … صورت گرفت.

دکتر خسروپناه تصریح کرد: یک قرن و نیم است که روشنفکرانی در جهان اسلام پیدا شدند که متوجه انحطاط گشتند اما عمدتاً نسخه‌هایی که ارائه می‌دادند یا غربی بود و یا شرقی. در صورتی که ما باید در چارچوب اسلامی به تمدن اسلامی برسیم.البته باز هم حرف گذشته خود را تکرار می‌کنم که ما باید از دست آوردهای مهم غرب استفاده کرده و نباید از صفر شروع کنیم. بلکه باید برای رسیدن به تمدن اسلامی بر تمدن گذشته و غرب سوار شد.

وی در رابطه با توسعه در کشورهایی مانند ترکیه و مالزی بیان داشت: من مدل این کشورها را مدل توسعه اسلامی نمی‌دانم این کشورها دغدغه غرب زدگی را دارند و غرب زده هستند و به شدت خودشان را بدھکار غرب کرده‌اند. در تمام این مدت مالزی دانشمند و عقبه فلسفی و فکری تربیت نکرده است.